

مطالیه

انرژی درمانی

(تماشای شفابخش)

روانشناسی

نویسنده / ژانت مکر او

مترجم / دکتر قدیر گلکاریان



انرژی درمانی

(تماسهای شفابخش)

راه‌هایی از بیماریها و ناراحتیها بوسیله‌ی انرژی دستها

نوشته‌ی: دکتر ژانت مکراو

ترجمه‌ی: دکتر قدیر گلکاریان



Macrae, Janet

مکری، جانت، ۱۹۴۷ - م.

انرژی درمانی (تماسهای شفابخش): رهایی از بیماریها و ناراحتیها
بوسیله انرژی دستها / نوشته ژانت مکراو؛ ترجمه قدیر گلکاریان - تهران:
طلایه، ۱۳۸۳.

۱۲۰ ص.: مصور.

ISBN: 964 - 7751 - 58 - 3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Ijilestirici dokunuslar.

عنوان به ایتالیایی:

۱. فراروانشناسی و پزشکی. ۲. شفای روانی. ۳. تجسم. ۴. مدی تیشن.
۵. چاکراها. ۶. جسم و جان. الف. گلکاریان، قدیر، ۱۳۴۳ - مترجم. ب.
عنوان. ج. عنوان: راه رهایی از بیماریها و ناراحتیها بوسیله انرژی دستها.

۶۱۵ / ۸۵۲

م ۷ ف ۴ / BF ۱۰۴۵

۱۳۸۳

م ۸۳ - ۲۹۲۰۱

کتابخانه ملی ایران



تهران، دفتر مرکزی، میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت)، کوی مبین،
پلاک ۲۳۹، طبقه همکف. تلفن: ۶۴۶۳۲۴۱ - ۶۴۹۶۲۷۲، دورنگار: ۶۴۹۶۲۷۳
شعبه شماره ۱: بزرگراه لشکرک، میدان اول قائم، مجتمع تجاری ابریشم،
شماره ۳۲. تلفن: ۲۴۹۱۰۳۴ - ۲۴۶۱۰۹۱ - ۲۴۶۱۰۹۳

نام کتاب: انرژی درمانی (تماسهای شفابخش)

نویسنده: ژانت مکراو

مترجم: دکتر قدیر گلکاریان

لیتوگرافی: بزرگمهر

چاپ: مهارت / صحافی: کهنموشی زاده

چاپ جلد: طلایه ۸۰

چاپ اول: ۱۳۸۴

تیراژ: ۳۱۰۰ جلد

قطع رقیعی ۱۲۰ صفحه

شابک: ۳ - ۵۸ - ۷۷۵۱ - ۹۶۴

ISBN: 964 - 7751 - 58 - 3

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

۵	دیباچه مترجم.....
۹	سخن نویسنده.....
۱۷	● بخش اول: آشنایی با تماس تروپاتیک.....
۳۹	● بخش دوم: اصول و شروط راهگشا.....
۵۱	● بخش سوم: روشهای درمانی.....
۵۳	آماده شدن برای اجرای عملیات انرژی درمانی.....
۵۶	معاینه بیمار.....
۵۷	حرکات دستها.....
۶۲	نشانه‌ها.....
۶۴	انقطاع و انسداد انرژی به صورت خفیف.....
۶۴	حالت خفقان و یا احساس احتقان شدید.....
۶۷	کمبود انرژی.....
۶۹	عدم تعادل:.....
۷۰	تشخیص بیماری و تصحیح معاینه:.....
۷۲	تماسهای شفابخش:.....
۷۴	با تمام وجود و روحیه به معاینه پردازید:.....
۷۶	نرمشهای شروع درمان:.....
۷۸	بر طرف کردن احتقان خفیف.....
۸۱	علائم بیماری در مریض چگونه ارزیابی می‌شوند.....
۸۱	نرمشهای اجرایی.....
۸۶	انتقال انرژی.....
۸۸	چگونه از کاهش و یا نقصان انرژی مطلع گردیم؟.....
۹۰	پر کردن انرژی در نقاطی که کمبود انرژی رخ داده است.....

۹۶	● بخش چهارم: اثرژی درمانی روزمره
۹۶	آماده سازی دوره‌ی درمان:
۱۰۰	تجربیات شخصی بیماران:
۱۰۱	تعیین کردن مقادیر اثرژی:
۱۰۵	● بخش پنجم: روش بازنگری درمان
۱۰۶	چگونگی درمان بیمار و رفع احتقان
۱۱۲	چگونگی به پایان رساندن دوره‌ی درمان
۱۱۵	خلاصه کلام

دیباچه‌ی مترجم

این کتاب به عنوان راهنما و رهبر نحوه‌ی اجرای عملیات تماس تروپاتیک یا به عبارتی استفاده از دستان شفا بخش در درمان بیماریها و ناراحتیهاست که آن را در یک کلام می‌توان بنام کتاب انرژی درمانی شناخت. زمانی که از مبحث درمان سخن به میان می‌آید، تمامی جوانب روحی و جسمی انسان را در بر می‌گیرد و واژه‌ی درمان می‌تواند برای جسم، ذهن و روح خلاق انسانی مصداق داشته باشد. از این رو وقتی از مبحث درمان در این موضوع بحث می‌شود، به واقع سعی بر آن خواهد بود که به وسیله‌ای، نیازهای شفایی انسان تأمین گردد. بدیهی است که درمان هم به صورت نامحسوس که به آن نام انرژی را داده‌اند می‌تواند مؤثر واقع گردد و هم این که می‌تواند به صورت استفاده از مواد گیاهی و یا شیمیایی صورت تحقق به خود بگیرد. در این کتاب سعی بر آن شده است که از دیدگاه متافیزیک موضوع درمان جسم و روح آدمی مورد بحث قرار گیرد که امروزه دنیای علم تجربی نیز مهر تأیید بر آن زده است.

همانگونه که می‌دانید، انسان و تمامی مخلوقات جهانی دارای روح و میادین مغناطیسی خاص خود هستند که به وسیله‌ی همین میادین می‌توانند با دیگر مخلوقات جهانی در تأثیر و تأثر باشند. زمانی که بحث انرژی درمانی در سالهای گذشته در دنیای غرب مطرح شد، آن را برگرفته از تخیلات و پندارهای آدمیان دانسته و بسیاری - حتی برخی از روانشناسان - بر این باور بودند که تمامی این

راه و روشها در سایه القائات و تلقینات انجام می‌گیرد. یعنی درمان‌پذیر با اعتقادی که به درمان‌کننده دارد، هر آنچه را که او می‌گوید و یا در مخیله‌اش حاکم می‌سازد، به نهایت منجر به باورهای روانی و روحی شده و در نتیجه به طور گذرا هم که شده، فرد بیمار درمان می‌پذیرد. حال اصل قضیه در همین جاست که این گروه علی‌رغم عناد و مردود دانستن امر، با زبان خود موضوع القائات و تلقینات را پیش کشیده و با زبان بی‌زبانی اعتراف می‌نمایند که انسان می‌تواند در اثر تلقین بهبود یابد. پس با این تدبیر می‌توان گفت که تلقین خود برخی از نهادهای روحی بدن را به حرکتی جدید و اذار ساخته و در بدن پادتنها و یا واکنشهای جدی در برابر بیماری اسجاد می‌نماید که این امر باعث می‌شود بیماری رو به بهبودی برود و یا به طور مقطعی درمان پذیرد.

با این باور یقین است که روح آدمی حاکم بر جسم اوست و می‌توان با به حرکت در آوردن و فعال کردن میادین مغناطیسی تمامی اعضا و جوارح انسان راههای درمان بیمارهای روحی و جسمی را در انسانها دریافت. امروزه علم ثابت کرده است که تمامی حواس پنجگانه‌ی آدمی اعم از شنیدن، لمس کردن، بوییدن، دیدن، چشیدن می‌تواند در اثر تأثیرات روحی منفعل شده و یا بسیار حساس و کارآمد باشند. علم انرژی درمانی که ابتدائاً از مشرق زمین و تبت پا گرفته و در تمامی دنیا مطرح شده و شایع گشته است، امروزه وسیله‌ی درمانی بسیاری از روانشناسان و حتی پزشکان برشمرده می‌شود. حتی در بسیاری از کشورهای جهان و در سالهای اخیر در کشورمان ایران نیز

اساتیدی شناخته شده‌اند که می‌توانند با دستان شفابخش خود بسیاری از ناراحتیهای روحی و جسمی را درمان نمایند.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که انرژی دهنده و درمانگر باید دارای روحی متعالی و خصوصیت اخلاقی والا باشد و در عین حال به کار و تأثیرات روحی و انرژی که از خود ساطع می‌گرداند، ایمان کافی داشته باشد. در این صورت است که هر انرژی ساطع شده به درمان‌پذیر می‌تواند مؤثر واقع گردد. نویسنده‌ی این کتاب خانم دکتر ژانت مکرو می‌باشند که خود سالیان سال در طول تحصیل و دوره‌های کارآموزی خویش در کنار بسیاری از درمانگران انرژی قرار گرفته و کارهای آنان را یاد گرفته است. او در مقدمه‌ای که مطالعه خواهید کرد، اعتراف می‌کند که از کجا این روش را آغاز نموده و در چه جهاتی آن را به کار بسته و با مشاهده‌ی موفقیت‌هایش به کار انرژی درمانی روی آورده و اکنون بیش از آن که به درمان شیمیایی همت گمارد، به انرژی درمانی اعتقاد داشته و به کار می‌گیرد.

شاید در سالهای گذشته بسیاری از جراید از این موضوع بحث کرده‌اند و شما خواننده‌ی گرامی اطلاعاتی از این قضیه دارید، و حتی شاید کتبی به چاپ رسیده‌اند که از آنها کسب اطلاع نموده و موضوع انرژی درمانی را تا حدودی می‌دانید، لیکن در این کتاب علاوه از این که موضوع انرژی درمانی به زبان ساده به بحث نهاده شده است، شیوه‌های آن نیز آموزش داده شده و شما خواننده‌ی گرامی می‌توانید در اثر تمرین و ممارست به نتایج مفیدی نائل آید. فراموش نکنید که اعتقاد و ایمان به کاری که انجام می‌دهید و باور آن چه که بدان اعتقاد

دارید، می تواند شما را به سر منزل مقصود برساند. داشتن روحی پاک و والا و ایمانی راسخ می تواند سرلوحه‌ی زندگی شما و حتی دیگران را تغییر دهد. به امید آن که همه برای همدیگر باشیم و این اثر نیز بتواند ما را در کنار یکدیگر و دوشادوش هم در رفع مشکلات یاری دهد، ترجمه‌ی این اثر را به عنوان برگ سبزی تقدیم شما عزیزان می‌نمایم. امید که مقبول افتد.

مترجم / تهران ۱۳۸۳

سخن نویسنده:

امروزه در تمامی عرصه‌های مترتب بر زندگی انسانی فعالیت‌ها و پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای صورت می‌پذیرد. به مثابه همین در زمینه‌ی علم پزشکی و راههای درمان بیماریها نیز فعالیتهای محسوسی صورت می‌پذیرد که تمامی این تلاشها به منظور تأمین سلامت و بهداشت روانی و جسمانی بشر و جهان بشریت انجام می‌پذیرد. در سالهای اخیر در کنار روشها و اسلوبهای رایج و طبیعی راههای دیگری نیز برای درمان بیماریها و رفع مشکلات روحی و جسمی انسانها در جهان رایج شده است که گرایش عموم به این روش به جای گزینش درمانهای شیمیایی و یا گیاهی یکی از دلایل عمده ترقی و توسعه درمان در زمینه انرژی است. درمان بیماریها به وسیله تأثیرات انرژی از دیر باز در میان مردم مشرق زمین رایج بوده ولی در سالهای اخیر و از نیمه‌ی دوم قرن بیستم در جهان غرب نیز توسعه یافته و طرفداران زیادی را به خود جلب نمود. امروزه بسیاری از کلینیکهای بهداشتی و درمانگاههای خاص انرژی درمانی در اقصی نقاط اروپا و آمریکا به چشم می‌خورد و مراجعه کنندگان بدان درمانگاهها با گرایش و علاقمندی و کسب نتایج سودمند بیش از پیش به امر انرژی درمانی پایبند می‌گردند.

همانگونه که می‌دانیم تولید انواع داروهای گیاهی و یا شیمیایی روز به روز بیشتر می‌شود و در کنار تأثیرات مثبت خود بر جسم و روح انسانی، در بسیاری مواقع تأثیرات نامطلوبی نیز بر انسان وارد

می نمایند. اما اگر در بطن قضایا به تولید داروها نظری داشته باشیم، آنگاه در خواهیم یافت که هر دارویی چه گیاهی و چه شیمیایی می توانند در وجود انسان نقاطی را با مواد و ترکیبات خود که در درون آنها نیز تأثیرات انرژیکی وجود دارد، تحریک نموده و زمینه‌ی درمان را پدید بیاورند. اما در جریان انرژی درمانی آنچه که مهم جلوه می نماید این که، انرژی نه تنها تأثیرات منفی ندارد، بلکه تمامی وجود را تحت تأثیرات خود قرار می دهد و ما بدان نام هولیستیک^(۱) را داده ایم.

کتابی را که در پیش روی دارید حاصل تجربیات سالیانه شخص من بوده که در کنار اساتید مجربی آنها را فرا گرفته و در حین گذراندن دوره های کارآموزی پزشکی توانسته ام راهکارهای سودمندی را فرا بگیرم. به طور عموم در زمینه‌ی درمان به وسیله انرژی اصطلاحاتی در میان ما پزشکان مرسوم است که در این کتاب بدان اسامی و اصطلاحات تأکید نکرده و به زبان ساده موضوعات را بیان خواهم کرد. در علم انرژی درمانی و منبعث از اصول و آثار مشرق زمین به کسی که تحت درمان قرار می گیرد و یا مشتری و یا به عبارتی مشتری درمان است، نام هیالی^(۲) یا سلینت^(۳) داده و به درمانگر عنوان هیالر^(۴) را می دهند. در این کتاب علاوه از آن که با نقاط مختلف و حساس بدن در کسب انرژی آشنا خواهید شد، با راهکارها و شیوه های آسان انرژی درمانی نیز آشنایی خواهید یافت و در مواقع مختلف خواهید توانست به سهولت بسیاری از ناراحتیهای روحی و

1- Holistic

2- Healee

3- Client

4-Healer

جسمی خودتان را رفع نمایید. در واقع کتاب موجود یکی از جزوه‌های مهم در اعمال فنون درمان و شفا دهی به وسیله انرژی و بر حسب روش سیستماتیک می‌باشد.

برای نخستین بار انرژی درمانی به وسیله دکتر دورا کونز^(۱) آلمانی در جهان غرب اعمال شده و معرفی گردید. او در ابتدا چنان با قهر و رفتارهای طردآمیز هموطنان و جامعه پزشکان غربی قرار گرفت که بارها تصمیم گرفت که دست از کار بکشد ولی نیاز مردم به دستان شفابخش وی و گرایش عموم به وی باعث گردید که احساس مسؤولیتی سنگین در برابر مردم نموده و به کارش ادامه دهد. در همان سالها با روی آوردن مردم به وی نام زن جادوگر را به وی دادند ولی دورا به هیچوجه از راهی که در پیش گرفته بود، دلسرده نشده و به درمان انسانهای درمانده پرداخت و به نهایت علم انرژی درمانی را در جهان غرب شایع ساخت و امروزه این علم و گسترش آن در غرب مدیون استواری، عزم راسخ و اراده‌ی پولادین وی است.

برخی از مردم اعتقاد بر این دارند که انسانهای خاصی قادر به داشتن انرژی بوده و می‌توانند انرژی خود را به صورت مؤثر بر مردم بگذارند ولی اینک مشخص و محرز شده است که هر فردی دارای انرژی بوده و تنها کافیست که این انرژی به نحوی کنسانتره و متمرکز گردد و در اثر تمرین به صورت آشکار بروز نماید. از این رو انتقال این دانش به همگان برای تثبیت امنیت روحی و جسمی و کسب آرامش اجتماعی موضوعی انکارناپذیر جلوه کرد و کتاب حاضر نیز به عنوان هدیه‌ای انسانی تهیه گردیده تا تمامی انسانها بتوانند به نحوی از انحاء

برای دیگران مفید واقع گردند. ناگفته نماند که علم انرژی درمانی به وسیله دکتر دولورس کریگر^(۱) در اروپا تکمیل تر شد. در ایالات متحده‌ی آمریکا نیز ابتدای امر برخی از پرستاران اقدام به روشهای اعمال انرژی درمانی نمودند که با کسب نتایج مثبت این موضوع در بین اساتید و پزشکان نیز مطرح گردیده و امروزه در بسیاری از بیمارستانها بخشهای ویژه‌ای به نام بخش تماس تروپاتیک دایر می‌باشند که در خدمت رسانی به بیماران اقدام می‌نمایند.

در پایان ذکر این را نکته را مهم می‌دانم که زندگی با تمام جوانب خود می‌تواند خودش را هدایت نموده و دارای قدرت تجدید می‌باشد. این حالت تنها در زندگی انسانها صادق نبوده، بلکه در زندگی و دوره‌ی تکوین جانوران و گیاهان نیز صدقیت دارد. از این رو توجه به برخی از پرنسیپهای زندگی و فراگیری آن می‌تواند انسان را در دوره‌ای که مجبور به ادامه‌ی آن است، یاری دهد. انرژی درمانی در واقع توسل جستن انسان به قدرت خود و همان قدرتی است که در خودش نهفته بوده و می‌تواند جسم و روح و حیات انسانی را تجدید و همچنین محافظت نماید. چنانچه بشر در شرایط حاضر به اصول اولیه و اساسی موجودیت خود توجه نماید و به عمق قوانین خلقت پی ببرد، خواهد توانست برای خود و دیگران مفید واقع شود. تنها با عنایت به همین اصول است که تمامی ناهنجاریهای اجتماعی نیز از جامعه رخت برخواهند بست.

ذکر این نکته نیز شایان توجه است که انرژی درمانی نمی‌تواند به عنوان روش درمان پزشکی مطلق باشد و بیمار در شرایطی که نیازمند

عملیات جراحی می‌باشد، نباید تنها به روش انرژی درمانی اکتفاء نماید. اما در این بین نباید از تأثیرات روحی و روانی انرژی درمانی نیز در کسب قدرت و اراده و استقامت در برابر عملیات جراحی و شوکه‌های روحی آن غافل بود و این روش می‌تواند بیمار را قبل از اعمال هرگونه عمل جراحی تقویت نماید.

در نهایت به پاس همت والا و پشتکار دورا کونز که توانست این علم را به جهان غرب معرفی نماید و خانم دی کریگر^(۱) که روشهای جدیدی را در کسب نتایج مفید و مثبت انرژی درمانی بکار بسته و ما را با آنها آشنا ساخت، این اثر را تقدیم آنها نموده و موفقیت و پیروزی مستمر برای تمامی همکاران سفید پوش خود که مدام در فکر سلامتی انسانها و جوامع می‌باشند، آرزومندم.

با تقدیم خالصانه‌ترین سلامها / ژانت مکراو

تماسهای شفافبخش

راهنمای ساده برای همه

بخش اول

آشنایی با تماس تروپاتیک

طبیعت به خودی خود شفا بخش است... آنچه که یک پرستار یا پزشک باید بدان واقف باشد، این که، چگونه بیمار خود را با حرکت و تأثیرات طبیعت همگام و متوازن سازد و در شرایط بسیار مطلوب و مناسب قرار دهد تا بتواند از انرژی طبیعی بهره مند شود.

فلورنس نایتینگل^(۱) - یادداشتهای یک پرستار

استفاده از دستها به عنوان تماس تروپاتیک جهت درمان بیماریهای روحی و جسمی به دوران بسیار گذشته‌ای مربوط می‌شود. همانگونه که مشخص است انرژی زندگی جهانی که تمامی موجودات را تغذیه می‌نماید بر همین پایه نهاده شده است. به عبارتی روشنتر، انرژی مورد استفاده برای تمامی موجودات همان راه درمانی است که در تماس تروپاتیک از آن استفاده می‌شود. علیرغم این که اندیشه و تفکر استفاده از انرژی در جهان غرب تازه شروع شده است، ولیکن جهان شرق و علم پزشکی استفاده از انرژی به عنوان یکی از شیوه‌های درمانی از سالیان سال دور ادامه داشته و امروزه به مراحل از توفیق و پیشرفت نیز نایل گشته است. به طور مثال، در

1- Florence Nightingale

هندوستان این روش به عنوان برترین شیوه درمانی شناخته شده و به نام «پرانا»^(۱) شناخته می‌شود. در این روش علاوه از این که درمان کننده با کمک انرژی می‌تواند بر روی بیمار و یا درمان پذیرنده تأثیر نماید، درمان پذیر نیز در حین درمان با نفسهای ممتد و یکنواخت خود راه را برای یافتن درمان سریع هموارتر می‌کند. این نوع روشها و به عبارتی نرمشهای درمانی با استفاده و تکیه بر جریان متعادل انرژی در زندگی انجام پذیرفته و برای سلامتی و سعادت زندگی مورد بهره‌گیری قرار می‌گیرد.

امروزه مفهوم انرژی زندگی جهانی با تمامی جوانب و جزئیاتش به عنوان تئوری جدید در جهان غرب شناخته شده و محرز شده است که با میادین نیرو و روابط میان نیروهای مختلف درگیر بوده و همین انرژیها در شخصیت افراد تأثیر دارد. در علم فیزیک میدان به محیطی گفته می‌شود که انرژی و یا هر چیز دیگر در آن جریان داشته و تابع قوانین خود بوده و یا بر روی محور و مداری خاص در جریان است و یا این که از سمتی حرکت کرده و در سمت دیگری از بین می‌رود و به طور فرض می‌توان فضا را یکی از میادین نامید. در کنار این جریان جاذبه و یا نیروی گریز از مرکز تماماً در میادینی حالت ظاهری و آشکاری از خود نشان می‌دهند که همان میادین در واقع محیط جریان انرژی خاص هستند. انرژیهای انسانی و موجود در وجود آنها نیز تابع همین قوانین و قواعد بوده و در اطراف هر انسانی میادینی وجود دارد که به آن میادین هاله گفته می‌شود و هر فرد در اطراف خود رد

میدان خاصی انرژی خودش را که به نحوی از انحاء از اعضاء و جوارح و حتی روح او ساطع می‌گردند، ظاهر می‌سازد. به غیر از انسان، هر موجودی که در عالم خلقت نماد عینی یافته است، به مانند انسان دارای انرژی بوده و جریان انرژی خود را نیز به صورتهای مختلفی نشان داده و محقق می‌سازد. با توجه به این که زندگی، «دوره‌ای است که در درون پویایی کائنات» نهفته شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که جریان انرژی جهانی نیز به عنوان نیرویی جاری در دوره زندگی وجود داشته و به تداوم خود جامه‌ی عمل می‌پوشاند. به عبارتی روشنتر، همانگونه که انرژی در اطراف تمامی ارگانیزمهای موجود در جهان به شکل شدیدی جریان می‌یابد، همین انرژی بنابه قدرت و جریان خود در تمامی جوانب کائنات و جهان نیز به نفوذ خود ادامه می‌دهد. به همین دلیل تمامی موجودات بدون استثناء در مسیر خط جریان انرژی جهانی قرار داشته و به نحوی انرژی جاری جهانی را که در زندگی محسوس است، سهیم می‌شوند. به همین نسبت تمامی موجودات و پدیده‌های فیزیکی نیز تابع قوانین انرژی بوده و تحت تأثیر و تأثر می‌باشند.

زمانی که موجود زنده‌ای فاقد هر نوع ایراد و یا نقصی باشد، انرژی در اطراف او به صورت عادی به جریان خود ادامه داده و به سهولت جاری می‌شود. همین انرژی نه تنها به موجودات اطراف خود تأثیر می‌گذارد، که بر اعضاء داخلی انسان و یا هر موجودی که از آن بحث می‌کنیم، تأثیر می‌گذارد. زمانی که انسان دچار بیماری و یا مشکلی می‌شود، در واقع جریان انرژی در آن منطقه دچار مشکل شده و یا به عبارت متخصصان امر، احتقان انرژی صورت می‌گیرد. درمانگران

انرژی درمانی و یا به عبارتی پزشکان علم تماس تروپاتیک در واقع معجزه نکرده و تنها مسیر جریان انرژی را هموارتر ساخته و باعث می شوند که انرژی در منطقه ای باعث بروز مشکلی شده است، به سهولت جریان یافته و مشکل رفع شود. در این میان باید درمان پذیر نیز به آنچه که بر روی او انجام می پذیرد، اعتقاد داشته و با درمانگر همراهی نماید. زیرا بدون این موفقیتی حاصل نخواهد شد. در یک کلام می توان گفت که بروز بیماری زمانی اتفاق می افتد که فرد جریان انرژی را در وجود خود به صورت نامنظم جاری ساخته و مادامی که درمان پذیر خود انرژی موجود در وجودش را باور نداشته باشد و به آن اهمیتی ندهد، انرژی دهنده و یا درمانگر به موفقیتی نایل نخواهد آمد. برخی اعتقاد بر این دارند که افراد درمانگر خود دارای انرژی فوق العاده ای بوده و از انرژی خودشان به درمان پذیرها انتقال داده و در رفع ناراحتی آنها تلاش می نمایند. حال آن که بدینگونه نبوده و هر موجودی خود دارای انرژی بوده و درمانگر تنها با هدایت مسیر انرژی و گاهی در صورت نیاز، با بهره گیری از انرژیهای جاری در اطراف بیمار و یا استفاده از انرژی رنگها و چیزهای دیگر در تنظیم جریان انرژی فرد بیمار در وجودش همت می گمارد و به نحوی بیمار را از ناراحتی خلاص می نماید. به همین دلیل در درمان تماس تروپاتیک هیچ نیازی به تماس نزدیک و یا تماس فیزیکی نیست و فرد درمانگر می تواند با قرار دادن دستهایش در فواصل چند سانتیمتری از وجود بیمار به درمان فرد بیمار بپردازد.

تماس تروپاتیک در حال حاضر در سیستم سلامتی انسانها به عنوان تکنیک ماندگار و جهانی شناخته شده و در اقصی نقاط جهان از

آن بهره گرفته می شود. من شخصاً سالهای اولیه استفاده از انرژی را به یاد دارم که در آن زمان بسیاری از همکاران و یا پزشکان اعتقادی به آن نداشته و کارم را مورد تمسخر قرار می دادند. اما زمانی که کارم را به دفعات به صورت عملی موفقیت آمیز و مؤثر نشان دادم، دیگر گرایش به درمان با انرژی در بیمارستانی که من شاغل بودم، رواج یافت. در سالهای نخست یادم هست کودکی را که دچار بیماری سرطان شده بود، تحت درمان قرار دادم. این کودک پسر بچه ای یازده ساله بود که دیگر امیدی به زنده ماندنش نداشتیم و کارم را به عنوان امتحان و آزمایش بر رویش انجام می دادم. پدر بزرگ این کودک که به عنوان همراه بیمار در بیمارستان اقامت داشت و زبان انگلیسی را به خوبی بلد نبود، به زور قانع کردم که اجازه دهد من بر روی نوه اش عمل انرژی درمانی را انجام دهم. ابتدای امر موافقت کرد ولی هرگاه وارد اتاق کودک بیمار می شد و مرا در حال انجام اعمال انرژی درمانی می دید، ناراحت می شد و به زور خودش را کنترل می کرد. او برای این که ناراحتی خودش را کنترل نماید، غالباً در کنار پنجره می ایستاد و به بیرون می نگریست. اما علیرغم این ها من به کارم ادامه می دادم و زمانی که او مرا غرق در کارم می دید، ناخواسته نگاههایش را به سویم می چرخاند و خیره به کارم می شد. او با توجه به این که از سرخپوستان قدیمی بود و تا حدودی از این مسائل چیزهایی را شنیده و یا دیده بود، از نگاههایش در می یافتم که به تصورات و باورهای دیرینه ی خودش معطوف می شود. زیرا با حیرت و در کمال سکوت به رفتارهای من می نگریست. زمانی که بعد از چندین دوره درمان باورم شد که کودک به حد خوبی توانسته است از انرژی درمان

یابد، به پیر مرد گفتم که کارم را به پایان رسانده‌ام. او در همان جلسه بدون این که چیزی به من بگوید، نگاهی عمیق به درون چشمانم انداخت و به کنار پنجره رفته و به بیرون خیره ماند. آن زمان فهمیدم که انرژی درمانی نه تنها بر روی فرد بیمار که حتی بر روی افرادی که در کنار درمانگر قرار دارد، تأثیر می‌گذارد. زیرا از نگاهها و سکوت توأم با آرامش پیرمرد دریافت کردم که او نیز از درون قلب به کارم ایمان آورده و آرامشی خاص دارد. همین روش از همان ایام برای من بهترین و برترین روشها جلوه کرد و دریافتم که می‌توان با انرژی درمانی و تماس تروپاتیک بسیاری از بیماریها جسمانی و حتی روحی را از بین برد. امروزه همین شیوه به عنوان یکی از بهترین شیوه‌ها و کم خرجترین و بدون عارضه‌ترین شیوه‌ها شناخته شده و می‌توان انرژی درمانی را به مانند موسیقی و یا هنری دانست که نیازی به ترجمه نداشته و هر فردی با شنیدن آهنگی اهمیت و تأثیر آن را بدون القای فکری دیگری درک کرده و یا با تماشای اثر هنری واله و شیدای آن می‌شود.

دورا کونز که یکی از موفق‌ترین و در عین حال کارآمدترین درمانگران انرژی درمانی به شمار می‌رود، این شیوه را برای نخستین بار در ایالات متحده‌ی آمریکا معرفی کرده و راههای درمان و شیوه‌های آن را ترویج داد. او در ابتدای امر به عنوان یکی از افراد معجزه‌گر شناخته می‌شد ولی بارها تأکید کرده بود که او هیچ معجزه‌ای را انجام نداده و تنها به وسیله دستان و تماس تروپاتیک خود انرژی را تحت کنترل و جریان در می‌آورد. برای اثبات این موضوع و تشریح قضایا دست به تعلیم بسیاری از پرستاران و پزشکان

و حتی انسانهای عادی زد و در اندک زمانی مشخص شد که کنترل و هدایت جریان انرژی کاری است که از دست هر کسی بر می آید و تنها کافیست که فرد به کار ایمان داشته و انرژی را به خوبی دریابد. بعد از این ماجراها بود که انرژی درمانی چهره‌ی دیگری در آمریکا به خود گرفت و هر فردی با ایمان و خلوص نیت به آن روی آورده و امروزه یکی از برترین و پر طرفدارترین شیوه‌های درمانی است که غالب سیاستمداران، بازرگانان، صنعتگران، هنرمندان و کارگزاران فعال آمریکایی برای دوری از ناراحتیها و استرسهای روزانه به انرژی درمانی روی می آورند و نتایج مثبت آن را در زندگی درک می نمایند.

البته باید گفت که تماس تروپاتیک نامی است که دکتر دولورس کریگر^(۱) به این روش داده و نهاده است. او در اوایل سالهای ۱۹۷۰ بعد از سالها تلاش و تجربه توانسته بود که راههای جدیدی را در انرژی درمانی کشف نماید و به کار بگیرد و بعد از این تجربیات بود که دانش و اندوخته‌های علمی و عملی خود را به عنوان تماس تروپاتیک به جهانیان معرفی نمود و شیوه‌های بسیار مؤثر و سهل الوصول را به درمانگران جهانی معرفی نمود. او در همان ایام ثابت کرد که انرژی درمانی شیوه‌ای نیست که تابع قالب و یا متدهای استاندارد و دائمی باشد، بلکه با توجه به تغییر و تغیر پتانسیلهای انسانی در دوره‌های مختلف زیستی که از موجودات، پدیده‌ها و شرایط مختلف زمان ناشی می شود، قابل دگرگونی بوده و از این رو مرزهای درک درمان به وسیله تماس و یا به عبارتی انرژی درمانی بی

منتها می باشد.

مجله‌ی پرستاری آمریکا در سال ۱۹۷۵ مقاله‌ای را در رابطه با کارهای دکتر کریگر و پرستاران تحت نظر ایشان که بر روی بسیاری از بیماران مبتلا به کمبود هموگلوبین فعالیت می‌کردند، منتشر ساخته بود. در این مقاله ذکر گردیده است که او به همراه دستیارانش توانسته بود بیماران را بدون این که نیاز خاصی به تجویز دارو داشته باشند، درمان نموده بود.

همین مقاله باعث گردید که در اندک زمانی بسیاری از بیمارستانهای شهر نیویورک به سمت و سوی استفاده از انرژی درمانی روی آورند و گرچه در این میان کلیسای ارتدوکس مخالفت شدیدی در این زمینه به کار بست و آن را شرک بر علیه حضرت عیسی (ع) قلمداد نمود، اما با این وصف پزشکان و پرستاران در این زمینه به تلاش و فعالیت و بررسی پرداخته و نتایج خوبی نیز کسب نمودند. همین روند باعث گردید که امروز من و همکارانم در آتلیه‌های درمانی خود به خدمت مردم شتافته و هر آنچه از دستمان بر می‌آید در حق آنان انجام دهیم. البته باید اذعان نمایم که روشهای انرژی درمانی نمی‌تواند به هیچوجه جایگزین عملیات جراحی گردد ولی در عین حال می‌تواند در درمان بیماری سهیم بوده و یا طول درمان را به اندک برساند و یا از رشد بیماری جلوگیری به عمل آورد. البته در ابتدای کار خیلی از پرستاران از آنچه که انجام می‌دادند ابایی داشته و راهکارهای خودشان را مخفی نگه می‌داشتند ولی امروزه تماس درمانی و یا درمان به وسیله دستان شفا بخش به متدی پیشرفته و مورد لزوم در بیمارستانها بدل شده است و در بسیاری از

بیمارستانهای دنیای غرب پرستارانی که به انرژی درمانی آشنایی داشته و یا متدهای آن را می دانند، احساس نیاز شده و به کار گرفته می شوند. در واقع می توان گفت که شیوه های انرژی درمانی امروز از آتلیه های کوچک و یا درمانگاهها و کلینیکهای شخصی خارج شده و به شیوه ای استاندارد و مورد لزوم در درمان بیمارها سوق یافته و مورد نظر قرار گرفته شده است.

نتیجه این که، در اثنای درمان و تجربه که برای ما ثابت گردید انرژی درمانی می تواند ما را در مسیر درمان انسانها یاری رساند، امروزه در اثر تجربیات اندوخته شده و آزمایشات به کار بسته شده، معوم گردیده است که این متد می تواند به عنوان شیوه ای ارزنده برای خدمت به بشریت بکار گرفته شود. امروزه بسیاری از متخصصان انرژی درمانی را نه یک شیوه درمانی که کارآیی و موفقیت در آن را به نوعی هنر قلمداد نموده و به حساب می آورند.

من و همکارانم در طول دوره ای اخذ نتایج حاصل از انرژی درمانی به این نتیجه رسیدیم که تماسهای انرژی بخش می تواند در درمان التهابات، زخمهای کوچک، بریدگیها و یا شکستگیهای ساده ای که در خانه اتفاق می افتد، بیمارهایی از قبیل سرما خوردگی، زکام، حساسیت، و دوران نقاهت بعد از عمل جراحی بسیار مفید واقع شود. با تکیه بر شیوه های انرژی درمانی می توان از میزان دردها کاست و سرعت عمل بدن را در کسب نیرو برای رفع دوره بیماری افزایش داد. این امر شاید بدیهی جلوه کند ولی با توجه به اینکه انسان با انرژی بر روی زمین گام نهاده و در سایه آن به حیات خود ادامه می دهد، لذا یقیناً با استفاده از انرژی می توان بسیاری از ناملایمات و

ناراحتیهای جنبی را که عارض بر بدن آدمی شده است، از میان برد و یا آن را کاهش داد. اگر چنین ادعایی بیان می شود تمامی آنها متکی بر تجربیات و اندوخته های علمی و عملی ماست که من و همکارانم در طول دوره های درمان به آنها نایل آمده ایم. حتی در طول دوران مختلف، ما روش انرژی درمانی را بر روی موشها نیز به کار بسته ایم که همان نتایج در آنها نیز به دست آمده است.

شیوه انرژی درمانی نیز به مانند سایر روشهای درمانی زمانی پاسخ مثبت و مناسب را می دهد که بیمار خود آمادگی لازم را در پذیرش درمان داشته و پاسخگو باشد. این موضوع به مثابه برخورداری بیمار از آمادگیهای لازم روحی و فکری و ایمان به کسب بهبودی بسی حائز اهمیت بوده و در هر کسی صدقیت دارد. به طور مثال یادم است که در شبی زمستانی مرا به بیمارستان فرا خواندند و در آنجا کودکی دبستانی که شدیداً دچار بیماری آسم بود تحت معالجه قرار گرفت و بر رویش عملیات انرژی درمانی را شروع نمودم. در اولین برخورد کودک پاسخ لازم را داد و صدای خفقان او به حالت عادی برگشت. بعد از مدتی همین حادثه در روی کودک دیگری انجام گرفت و این کودک به هیچ عنوان پاسخگوی روشهای درمانی من نشد. در نتیجه ثابت گردید که در شیوه های درمانی انرژی نیز پاسخگویی بیمار بسیار مهم می باشد. لازم به ذکر است که امکان دارد شما با بیماری روبرو شوید که دارای ناراحتیهای گوناگونی باشد. این بیمار در تمامی حالات به قدر یقین پاسخگوی درمانهای شما نخواهد بود. اگر بر فرض پیرمردی را تحت درمان قرار داده اید که هم فشار خون دارد و هم از ناراحتی پروستات در عذاب است و در کنار این آسم نیز او را

آزار می دهد، مسلماً در وهله ی اوّل اگر بیماری آسم او را درمان نمایند، احتمال دارد که فشار خون او نیز عادی شود ولی در پروستات دچار مشکل خواهید شد. در نتیجه به این امر نیز توجه نمایند که این حالت در درمانهای شیمیایی نیز صدقیت داشته و تجویز دارویی برای درمان یکی از بیماریها ممکن است برای درمان بیماری دیگر عارضه دار بوده و آن را عود دهد. از این جهت در شیوه های انرژی درمانی نیز همین امر مصداق پیدا کرده و در بروز چنین رخدادی ناامید نشده و تصور ننمایید که شما در بکار بستن شیوه های درمانی دچار مشکل شده و یا راه خطا آمیزی را طی کرده اید.

در برخی موارد دیده شده است که فرد بیمار بیش از آن که از لحاظ جسمی و فیزیکی پاسخگوی درمان شود از نظر روانی به زودی پاسخ لازم را به شما می دهد. به طور مثال باز به یکی از بیماران خودم اشاره می کنم که بعد از درمان چنین گفت:

- هنوز هم احساس درد دارم ولی باید اعتراف کنم که این درد مثل سابق مرا اذیت نمی کند.

در یکی از مراحل درمانی نیز با خانمی که قرار بود از ناحیه روده تحت عمل جراحی قرار گیرد تا تومور سرطانی آن از آن قسمت برداشته شود، روبرو شدم. او قبل از عمل تحت درمان من قرار گرفت و از لحاظ جسمی و روحی برای تحمل عمل جراحی آماده شد. بعد از عمل نیز با او مواجه شده و چندین سئانس او را تحت درمان قرار دادم و خود اعتراف کرد که:

- اگر شیوه های درمانی شما نبود نمی توانستم تحمل این همه شیلنگ، لوله دفع جراحات و عفونتها و سرمهای گوناگون و دردهای

ناشی از سوزنهای آنها برایم سخت می بود. مرا در سایه انرژی دهی چنان قوی نمودید که در یک لحظه ناراحتی و ترس از آن همه درد و رنج از وجودم دور شد.

این نمونه‌ی بارزی بود که در طول دروان خدمتم شاهدش بودم و در کوتاهترین زمان ممکن شفای خود را باز یافت و به خانه‌اش انتقال داده شد. منظور از بیان این نمونه در واقع ابراز چنین حقیقتی است که بیمار در صورت داشتن روحیه لازم و ایمان به آنچه که دریافت می دارد، یقیناً می تواند پاسخگوی شیوه‌های درمانی لازم باشد.

همانگونه که ابراز داشتم، در درمان انرژی‌یک تنها چیزی که بسیار اهمیت دارد، ایمان به آن و باور کردن کسب بهبودی به وسیله‌ی انرژی درمانی است. زمانی که فرد تحت درمان قرار می گیرد باید ۱۵ تا ۲۰ دقیقه ساکت در سر جایش قرار گیرد و یا این که ساکت در روی تخت بخوابد. این روش در واقع می تواند فرد بیمار را در طول زمان به آنچه که تجربه خواهد کرد، نزدیک نموده و ذهنیت او را بر روی درمان و شیوه‌ی بکار برده شده متمرکز سازد. در طول دوران خدمتم بارها با کودکان و حتی نوجوانان و جوانان بیماری روبرو شده‌ام که سن آنها اقتضاء می نماید که بازیگوش بوده و به آنچه که به عنوان ایمان و باور بیان می دارم، اهمیتی قائل نباشند. اما همین صبر و بردباری و تمرکز دادن ذهنیت بیمار در طول زمان کوتاه پانزده دقیقه‌ای باعث شده است که آنها پاسخ لازم را برای درمان نشان بدهند. از این رو برای این که بیمار واقعاً بداند که برای چه به نزد شما آمده و یا آورده شده و چه کاری بر رویش انجام گرفته خواهد شد، لازم است چند دقیقه‌ای او را به حال خود رها کنید و در محیطی

بنشانید که تنها به شما و کارهایتان بیندیشند. شاید برایتان تعجب برانگیز بوده باشد که حتی این روش را بر روی موشها نیز که شعور لازم انسانی را ندارند بکار بسته و موفقیت‌هایی را کسب کرده‌ام. آن‌ها را در جایی نشانده‌ام که تنها خودشان بوده‌اند و من. در اثنای این به درمان پرداخته و توانسته‌ام زخم‌هایشان را بهبود بخشم. البته باید اعتراف کرد که مخالف این حادثه نیز رخ داده است و بارها شده که بیماری و یا موشی به هیچ عنوان پاسخ لازم را نداده و به هیچ طریقی آمادگی پذیرش شیوه‌های درمانی را از خود نشان نداده است. البته میزان و تناسب این افراد و یا حیوانات بسیار نادر و کم بوده است. در حال حاضر تحقیقات انجام گرفته در سایه‌ی بیوفیدبک و پلاسمو نشان داده است که ذهنیت فرد از نظر آماده‌سازی روان و سپس جسم آدمی برای کسب هر نوع تغییرات بسیار حائز اهمیت بوده و در انرژی درمانی نیز بهتر است قبل از هر کاری ذهنیت و روان فرد بیمار را به شیوه‌ای که بر روی او انجام خواهد گرفت تا درمان لازم را دریافت دارد، آماده‌سازی مناسب انجام پذیرد. در چنین حالاتی کسب نتایج مثبت و لازم انکارناپذیر بوده و بیمار در کنار شعور ایمانی خود به سهولت خواهد توانست نتیجه‌ی خوب را باز پس دهد.

به طور کل می‌توان بیان داشت که بیمار آماده برای کسب درمان انرژی‌یک بیشتر از یک فرد مضطرب و نگران و در عین حال متردد در کسب بهبودی می‌تواند پاسخگوی مناسبی باشد. اگر فرد سالمی در اثر زیاده روی در مصرف غذا و نوشیدنی در یک مهمانی دچار مسمویت غذایی شود، بیشتر و بهتر از هر کسی می‌تواند در کسب درمان انرژی‌کی جوابگو باشد. حال آن‌که فرد مبتلا به بیمار معده که به

حالت کرونیک در آمده است، شاید به دلیل ناامیدی از درمان خود پاسخ لازم را در کسب انرژی درمانی از خود نشان ندهد. بیماری که سالیان سال از بیماری خود در رنج بوده باشد و به هر دری زده و پاسخ لازم را کسب نکرده باشد، یقیناً در درمان انرژی نخواهد توانست به مانند یک انسان تازه بیمار شده پاسخگو باشد. لذا کار کردن بر روی این نوع بیماران بسیار سخت بوده و باید قبل از شروع سئانسهای درمانی باید او را از لحاظ روحی و ذهنی به کسب بهبودی آماده سازید. در حقیقت می توان اذعان داشت که بیماری طولانی قالبهای ذهنی منفی را در ذهن بیمار ایجاد می نماید و روزنه های نور و روشنایی به امیدواری را در او سد کرده و می بندد. از این رو کار با آنها بسیار دشوار بوده و نیاز به زمان طولانی دارد و این را نیز باید اعتراف کنم که چنین بیمارانی نیز ناامید کننده ی درمانگران نبوده و به نهایت بهبودی خود را باز می یابند و تنها کافیست که زحمت و تحمل زیادی را از خود نشان داده باشید.

باید گفته شود که در درمان بیماری بعضاً متوجه جوانب ذهنی و احساسی بیمار نمی شویم. به عبارتی روشنتر می توان گفت که وقتی تحت استرس و تشویشات روحی قرار داریم و یا زمینه ای فراهم شده که در استرس غرق خواهیم شد، آن زمان بدوت توجه به چنین وضعیتی هم تلاش داریم خود بر روی بیمار اثر بگذاریم و هم این که مترصد آن هستیم که بیمار پاسخ لازم را به ما داده باشد. حال آن که این کار شدنی نیست و در صورت بروز استرس در ما میدان مغناطیسی حاصل از ذهنیات و احساسات ما نیز تحت تأثیر عوامل روحی خودمان شده و انرژی موجود در وجودمان ناهماهنگ گشته و

یا دچار نقصان می شود. در چنین حالتی نباید دست به درمان بزنییم و اگر هم به اصرار خود و یا دیگران این کار را انجام داده باشیم به موفقیتی نخواهیم رسید. در واقع باید گفت که در درمان انرژی آنچه که اهمیت داشته و می تواند ضامن موفقیت ما و بیمار شود، آرامش روحی و احساسی و کمال اطمینان از کار خودمان است. باید جریان انرژی در وجودمان به قدری آرام و ساکن جاری شود که بتواند همان جریان را با فرکانسهای خود و قدرت لازمه به بیمار انتقال دهد. در غیر این صورت هیچ نتیجه ای عاید ما نخواهد شد. بیمار در برابر انرژی جاری شده از سوی درمانگر بسان آینه ای عمل می کند که هر آنچه که خوب و بد بوده و هر آنچه که ناقص و معیوب بوده به همان تجریدی و به همان عریانی نشان می دهد. در حقیقت بیمار را برای درمانگر باید مثل آینه ی درمانی دانست.

به همین خاطر است که در بسیاری از مواقع تأکید می نماییم که باید درمانگر نیز به مانند خود بیمار از آرامش و ایمان و صلابت فکری و ذهنی برخوردار بوده باشد. بسیار دیده شده است که ناراحتی و مشوش بودن درمانگر باعث شده که نه تنها بیمار به بهبودی لازم نرسد که به حالات عصبیت و ناراحتی نیز بعد از دوره درمان سوق یابد. در واقع همان انرژی منفی موجود در درمانگر به وی انتقال یافته و باعث شده است که او نیز به مانند خود درمانگر حالت مشوش و عصبی داشته باشد. مادامی که درمانگر به این مسایل توجه نداشته باشد و تنها به مسایل فیزیکی بیمار اهمیت بدهد، نه تنها موفق نخواهد شد که دچار بحرانهای جدیدی در بیمار شده و باید بار دیگر از مسیرهای متفاوتی می بایست بیمار را تحت درمان قرار دهد.

در درمان کردن و پذیرش بیماران باید قالبهای ذهنی و ایمانی و چارچوبه‌های احساسی و روانی بیمار سنجیده شده و قبل از آن نیز خود درمانگر به آرامش مطلق رسیده باشد.

نکته مهم دیگری که باید در درمان کردن بیماران بدان اهمیت داده شود، حالت رلکس و شل بودن جسمی و روحی بیمار است. زمانی که بیمار خود را به حالت شل شدگی و دور از هر نوع انقباض روحی و جسمی (روانی و فیزیکی) دور سازد، آمادگی لازم را در کسب درمان از خود نشان خواهد داد. در چنین شرایطی جریان انرژی از درمانگر به بیمار به سهولت و بدون مانع انتقال یافته و جاری می‌شود. حرکت دستها در اطراف بیمار باعث می‌شود که انرژی به طور یکنواخت و صاف و صیقلی در وجود بیمار جاری شود. از سوی دیگر وقتی بیمار به این واقعیت پی می‌برد که دستان شفابخش درمانگر او را بهبود خواهد داد، آن زمان ذهنیت او نقطه‌ای را که ناراحتی دارد، آماده کسب انرژی خواهد کرد. ذکر این نکته لازم است که بیماران تازه و به عبارتی دیگر کسانی که برای نخستین بار تحت درمان انرژی درمانی قرار می‌گیرند، کمتر از انسانهایی که بارها این عمل را انجام داده‌اند، واکنش مثبتی از خود نشان می‌دهند. این امر به همان حالات رلکس و شل شدگی بیمار بستگی دارد. بیماری که برای بار اول تحت درمان انرژی قرار می‌گیرد، هنوز از چم و خم ماجرا خبر نداشته و با شبهه و تردید بدان می‌نگرد و یا نمی‌تواند به آن صورتی که مورد نظر است از خود حالت شل شدگی نشان دهد ولی کسی که بارها این عمل را تکرار کرده، می‌داند که چه حالاتی باید داشته باشد تا به نتیجه‌ی مطلوب نایل آید.

بارها به دستیاران خودم ذکر کرده‌ام که بیماران متمادی در واقع مثل انسانهایی هستند که عمل یوگا را انجام می‌دهند. فردی که برای اولین بار می‌خواهد عملیات یوگا انجام دهد بسیی دیرتر می‌تواند به حالات خلسه برود و یا تمرکز فکری خود را کسب نماید ولی فردی که بارها این کار را انجام داده در یک شمارش معکوس از سه به یک به حالت خلسه فرو رفته و به سادگی می‌تواند در آرامش حاصل از یوگا قرار گیرد.

ناگفته پیداست که نوع بیماریها نیز در کسب نتیجه مؤثر هستند. برخی از بیماریها به زودی پاسخ می‌دهند و بعضی دیگر به سختی و یا به ندرت درمانگر و بیمار را به نتیجه می‌رسانند. برای مثال در طول سالهای گذشته در بیمارستان بر روی بیمارانی که از لحاظ تصلب شرایین و یا بیماریهای قلبی در رنج بودند، آزمایشاتی را انجام دادم. در نتیجه‌ی این آزمایشات متوجه شدم که فرد دچار بیماری قلبی و یا تصلب شرایین قبل از آن که به درمان بیندیشد به کسب نتیجه فکر می‌کند و چون حالت تردیدی دارد و بیماری خود را بسیار جدی قلمداد می‌نماید، به ندرت و یا به دشواری تحت تمرکز فکری قرار گرفته و نتیجه‌ی لازم را اخذ می‌نماید. در حقیقت می‌توان بیان داشت که اندیشناک بودن و یا تردید در بیماری در خود بیماری نیز اثر نهاده و در درمان نیز تأثیرات منفی را از خود بروز می‌دهد. حال آن که برخی از بیمارانی که دچار شکستگی شده‌اند به سهولت پاسخ لازم را داده و به بهبودی مورد نظر نایل می‌آیند.

از سوی دیگر باید بیان داشت که انرژی درمانی خود راهی برای از بین بردن تشویش و تردید می‌باشد. لذا در درمان بیماران به این نکته

مهم توجه گردد. مادامی که اطمینان ندارید بیمار آمادگی لازم را کسب کرده است، به درمان او نپردازید و ابتدای امر او را تحت درمان روحی و روانی قرار دهید. بگذارید بیمار آرامش لازم را دریافت داشته و به آنچه که شما انجام خواهید داد، ایمان داشته باشد و به آن باور برسد که در طول دوره‌ی همکاری با شما به بهبودی و شفای لازم خواهد رسید. شاید پرسید که چگونه می‌توان بیمار را از لحاظ روحی آماده کرد؛ که بایستی بیان کنم وقتی با بیماری روبرو می‌شوید که او به شیوه‌های شما ایمان ندارد، به او از درمانهای متافیزیکی و قدرتهای روحی و احساسی صحبت کنید. از عظمت روح و احساس که مثل جریان الکتریسته قابل رؤیت نبوده ولی اثرات آن در عشق ورزیدن و یا نفرت داشتن مشخص می‌شود. به او از ایمان و آنچه که به وسیله اراده شدنی است، سخن بگویید. حتی در جریان اثبات حرفهای خود به او انرژی لازم را در اندام و جسمش بدون آن که او بداند او را درمان می‌کنید، جاری سازید و وقتی به طور مثال دستهای او در حال لرزش است با کمک شما و القاءات روحیتان که حاصل انرژی است به آرامش برسد، آن زمان به حرفهای شما ایمان آورده و به تدریج در کنترل شما خواهد بود. بدنی ترتیب خواهید توانست بیمار را به آن صورتی که مورد نظرتان است، درمان نمایید.

برخی از افراد اعتقاد دارند که در درمان انرژی نیاز به حرف زدن و ایجاد ارتباط با بیمار نیست ولی باید گفت که حتی بیماری که در بستر مرگ افتاده و احتمال دارد که بهبودی خودش را باز نیابد، باید با او نیز صحبت کرد و به او روحیه بخشید. سخن گفتن با بیمار در طریق مثبت و به صورتی که به او باوری خوش نیت داده شد و

احساس نماید که بهبودیش را باز خواهد یافت، می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات باشد. شاید بارها خودتان دیده‌اید که بیماری در خانه بی تابی می‌کند و احساس می‌نماید که دردی جانکاه دارد و همان لحظه که دکتر بر بالینش حضور می‌یابد و یا دارویی که شاید به درد هم نخورده باشد، به او تجویز نموده باشد، بیمار احساس آرامش کرده و تصور نماید که بهبودیش را باز یافته است. بارها دیده شده است که بیماری بر روی زمین افتاده و اظهار می‌دارد که قدرت بلند شدن ندارد و جسمش مثل تکه تخته‌ای می‌ماند ولی همین که دکتر دستش را بر بدن او نزدیک کرده و لمس می‌کند و با یک کلمه ساده که «این چیز مهمی نیست و اگر تکانش بدهی خوب می‌شود.» مشاهده می‌گردد که همان بیمار به راحتی واکنش مثبتی به پزشک نشان می‌دهد.

لذا باید بدانید که در درمان تمامی بیماریها آنچه از سوی یک درمانگر بیش از عملکرد فیزیکی آن اهمیت دارد، روحیه دهی و روان بخشی اوست که می‌تواند بر روی بیمار مؤثر واقع گردد. صحبت کردن پزشک و یا درمانگر در واقع به نوعی شفا دهی است که از شفقت و مهربانی او سرچشمه می‌گیرد.

بارها دیده شده است که فردی در بستر بیماری و رو به پایان عمر است ولی پزشک با روحیه دادن و تقویت بنیانهای روانی و احساسی او چنان مقدمه‌ای را فراهم می‌آورد که بیمار با احساس درد کمتری و با ناراحتی بسیار ناچیزی مرگ را پذیرفته و به سهولت جان می‌بازد. در حقیقت باید گفت که در انرژی درمانی بیش از هر چیزی و قبل از درمان فیزیکی آنچه که باید درمان گردد و بتواند نتیجه‌ی لازم را در

حالات فیزیکی از خود نشان دهد، تقویت روحیه و احساس بیمار است. نشان دادن شفقت و مهربانی، تقویت روحیه کسب بهبودی، تقویت روحیه تحمل درد و ناراحتی در بیمار، روحیه دادن وی به زنده ماندن و کسب قدرت گذشته تماماً حالات تداوی و درمانی است که یک درمانگر انرژی درمانی می تواند به بیمار خود ببخشد. در واقع می توان گفت که نشان دادن شفقت و روحیه دادن بیمار بدون این که نتیجه ای در حالات فیزیکی وی ایجاد شود، خود به نوعی شفا بخشی و درمان است. (۱)

۱- به مصداق این موضوع می توان به حادثه ای که حکیم بزرگ ابوعلی سینا بدان اشاره دارد، تکیه نمود. بر حسب نوشتارهای موجود در تاریخ و ذکر خود حکیم اینگونه آمده است که وی روزی در کوچه های شهر نیشابور می گشته که صدای ضجه و ناله ای را از خانه ای می شنود. نزدیک آن خانه شده و با حیرت شاهد حالت اعتزاز زنی جوان را در بستر بیماری می شود. بدون اجازه و بر حسب وظیفه ی حکیمی خود وارد خانه شده و چون همگان او را می شناختند، راه را برای وی جهت نزدیک شدن به بستر بیمار باز می کنند. حکیم نگاهی به بیمار انداخته و ناگهان در نرمه ی گوش چپ زن بیمار لکه ی خون خشکیده ای را مشاهده می نماید. در این حال نگاهش را به دیگر نقاط بدن بیمار گردانده و در هنگام گرفتن نبض بیمار متوجه اثر بر جای مانده از انگشت را نیز در انگشت بیمار می بیند. در می یابد که انگشت و گوشواره به تازگی از انگشت و گوش بیمار جوان در آورده شده است. با عصبانیت جویای قضیه می شود و مادر شوهر زن بیمار اعتراف می نماید که چون زن جوان در حال جان کندن است به همین خاطر چیزهای اضافی را از وجودش دور ساخته است. حکیم ابوعلی سینا آن ها را از پیر زن باز ستانده و با ملامت و شفقت و در حالی که مدام بیان می دارد که بیمار چیزی ندارد و حالش رو به بهبودی است و به زودی از جایش بلند خواهد شد، انگشت را در انگشت و گوشواره را در گوش بیمار

دستیاران من و آنان که در این راه قدم بر می دارند به این حقیقت و اصل ایمان دارند که انضباط اخلاقی و رفتاری در انرژی درمانی ملاک اصلی و قانون اجتناب ناپذیری است. همه بر این باوریم که انسان برای انسان آفریده شده است و برای کمک به انسانها باید تلاش کرد. هیچکس حق ندارد ناراحتی و مشکلات خودش را بر دوش دیگری بگذارد و به مثابه این که بنی آدم اعضای یکدیگرند، باید هر فردی در رفع مشکلات آدمیان تلاش نماید. تلاشی در آرامش دیگران که همانا نشان دادن عشق و محبت و انتقال انرژی الهی است و انرژی الهی نیز همانا دوست داشتن و عشق ورزیدن است. امیدوارم شما نیز در راهی که بر آن گام نهاده اید و یا قدرتی را که در خود حس کرده می خواهید از طریق آن به انسانها خدمت نمایید و مشکلات روحی و جسمی آنها را رفع نمایید، آکنده از مهر و انرژی الهی باشید. زمان در محدوده‌ی حلقه بسیار کوتاه و ناچیز است و از این زمان ناچیز باید بهره‌ی فراوانی برای خدمت به انسانها برداشته شود. با این مفهوم و ادراک آن می توان در خدمت انسانها بود. روح والا و پاک و با آرامش انسانی

می اندازد و در این حال بیمار چشمانش را به زحمت می‌گشاید و لبخند ابوعلی سینا را می‌بیند. حکیم به شوهر زن جوان بیمار خطاب کرده و از وی می‌خواهد که سرنا و دهل زن را به منزل بیاورد که زنش شفا یافته و باید شادی و پایکوبی نمایند. همه با حیرت به او می‌نگرند ولی حکیم باز اصرار کرده و با خشم به شوهر زن بیمار امر می‌کند که آنچه که گفته بر حای بیاورد. دقایقی بعد گروه سازندگان حاضر شده و آهنگ شادی در محیط حیاط و باغچه بلند می‌شود و در این هنگام رنگ به رخسار زن بیمار بر می‌گردد. بدین سان شفای روحی حکیم ابوعلی سینا، بیماری جسمی زن جوان را کاهش داده و بدین صورت چند صباحی به عمرش ادامه می‌دهد. / مترجم

موجد جامعه‌ای پاک و آرام خواهد بود، جامعه آرام نیز ایجادگر زمان زیبا و پر ثمر و آرام بوده و آن زمان حیات رنگ رنگین کمانی به خود گرفته و نتیجه مطلوب از زیستن عاید خواهد شد.



بخش دوم

اصول و شروط راهگشا

... مادامی که کلّ شفا نیابد، جزء به شفا یافتن روی نمی آورد.

حکیم و فیلسوف بزرگ چارمیدس افلاطون^(۱)

پیش از فراگیری جزئیات اساسی انرژی درمانی، می بایست قوانین و اصول راهگشا در انرژی درمانی را که در واقع تمامی موارد مترتب بر این روش بر روی آن بنا نهاده شده است، بدانید. فعل «درمان کردن» و یا «شفا دادن» در واقع به معنای «تمامیت بخشیدن - تمام و کامل کردن» بوده و در لفظ لاتین از ریشه کلمه‌ای انگلو ساکسونی به نام «هایلان»^(۲) برگرفته شده است. یقیناً شما نیز می دانید که پدیده‌های بیولوژیکی در جریان فعالیتهای خود، ارگانیزمهای زنده‌شان را به طور مداوم که تحت شرایط خاصی در تغییر و تحول هستند، به سمت و سوی رشد و توسعه، زنده ماندن، تکثیر و تجدید شدن و به استعداد دوباره زنده شدن هدایت نموده و به عبارتی «پدیده‌هایی هستند که خود به خود رشد و تکمیل شدنشان را سازماندهی می نمایند.» شفا دادن و یا استعداد تجدید و تکمیل داشتن در واقع ظرفیت و توانایی و

1- Charmides Eflatun

2- Haelan

عملی است که به فطرت و ذات خلقتی انسانها مربوط می شود. مفهوم تکمیل کردن، خصوصیات تکامل و انتظام را به اجرای ترتیبی آن بیان داشته و به عبارتی دقیقتر می توان گفت که، پدیده‌ی «تکمیل و یا کامل» در حالت عامه به موجودی گفته می شود که همه چیز آن به صورت ترکیبی و جزء لاینفک بوده و حرکت و پویایی آن در سایه‌ی همین سیستم حالت واقعی و وجودی به خود می گیرد که ما آن را به نام سیستم ارگانیکی کامل می شناسیم. موجودات زنده از ترکیب و تشکیل سلسله پدیده‌هایی به وجود آمده‌اند که هر کدام از آنها به نوبه خود عملی را انجام داده و حرکت و پویایی عملشان نیز بستگی به وجود دیگر ارگانیک دارد و در واقع نزدیک هم بودن و با هم بودن این پدیده‌های ریزتر و واحدتر می توانند شکل و قالب یک پدیده‌ی کامل و تکمیل را نمایان سازند. حرکت اندام انسانی و یا حیوانی و یا نباتی در واقع حرکت‌های جزء به جزء و واکنش‌های فردیتی هر کدام از ارگانیزم‌های موجود در آن پدیده بوده که در سایه کنار هم واقع شدن همین فونکسیونهاست که عمل رشد و یا حرکت پدیده انسانی، حیوانی و نباتی نماد بیرونی و ظاهری به خود می گیرد.

اصول و شروط تکامل و یا انتظام در یک معنا، به سیستم‌های بدنی و ارگانی هر پدیده مربوط می شود که موقعیت آن پدیده را نشان می دهد. به عبارتی روشنتر، زمانی که پدیده‌ای بدون نقصان از هر نظر رشد نماید، اجزای درونی آن که هر کدام به نوعی ارگان لازمه محسوب می گردند، در کنار عملکرد فردی خود به جامعه‌ی حرکتی می پیوندند که در کنار هم حرکت اصلی را ایجاد می نمایند. در واقع مادامی که جزئی از پدیده‌ی کامل دچار نقصان نباشد، حرکت آن

پدیده کامل بوده و این کتاملیت در پویایی و حرکت آن نماد عینی می‌یابد. زمانی که از شفا یافتن و یا بهبودی و کامل شدن بحث می‌شود، مقصود این است که پدیده‌ی کلی که آن را بدن می‌نامیم در تمامی جوانب و رویکردها دچار نقصان نشده و بتواند عملکرد واقعی خود نشان دهد. وقتی بدن دچار بیماری می‌شود در واقع حرکت عادی و پویای یکی از ارگانهای آن پدیده‌ی عظیم و تکامل یافته دچار نقصان شده است. وقتی این ارگان تنها بتواند انرژی لازم را برای حرکت مجدد باز یابد، محققاً به حالت تکمیلی پدیده‌ی جامع کمک خواهد کرد و پدیده جامع و یا بزرگتر که همانا بدن است، به تکمیل شدن خود روی خواهد آورد که اصطلاحاً بدان شفا یافتن و یا بهبودی می‌گوییم.

در انرژی درمانی آنچه که بیش از همه مورد توجه قرار می‌گیرد این است که، بیمار در زمان بروز بیماری نه تنها خود دچار نقصان در تکامل خود دارد و مشکلی از نظر تکامل و توسعه در پدیده‌ی خود ایجاد نموده که مشکلی با اطرافیان خود نیز دارد. به مثابه همین رویکرد زمانی که فردی بیمار می‌شود نه تنها خود دچار مشکل می‌شود که دیگران نیز دچار مشکل شده و در کسب بهبودی به همان میزان هم خود بیمار سهیم در کسب شفای خود بوده و هم اطرافیانش می‌توانند سهم عمده‌ای در ایجاد بهبودی داشته باشند. درمانگر در انرژی درمانی سعی می‌نماید که به نحوی جریان انرژی مناسب را در بدن بیمار جاری ساخته و حالت عادی را به او بازگرداند. این عمل در حقیقت نوعی معجزه نیست بلکه همان یاریو کمکی است که به طور فطری به آن روی آورده شده و درمانگر جریانی از انرژی را که در

نقطه‌ای از بدن بیمار دچار احتقان و یا انسداد شده، آن را باز کرده و به جریان می‌اندازد. در برنامه‌های آموزشی انرژی درمانی گاهی بعضی از دانشجویان و یا فراگیران اعتقاد به این دارند که در انرژی درمانی قانون دوم علم ترمودینامیک (انترپپی) صدقیت می‌یابد. این تصور خالی از منطقی نبوده و همانگونه که انرژی در سیستمهایی که جریان آن مقدور می‌باشد، به جاری شدن خود ادامه می‌دهد در وجود آدمی و یا حیوانات و نباتات نیز اینگونه عمل می‌نماید. اما آنچه که در این میان تفاوت دارد این که، میزان جریان انرژی در موجودات زنده با جامدات متفاوت است و انرژی جاری شده در جامدات به همان فرکانسی که در ابتدا جاری شده تا انتها نیز به همان سرعت و میزان ادامه می‌یابد ولی در موجودات زنده می‌تواند در تغییر و تحول و دگرگونی از پدیده‌ای کوچک به پدیده‌ی دیگر و یا از جزء به جزء شدت گرفته و یا حدت یابد. در واقع می‌توان اینگونه ابراز نمود که جریان انرژی در وجود موجودات زنده به صورت یکنواخت نبوده و احتمال توقف و یا تسریع در جریان دارد. دثر حقیقت ماکسیمم و مینیموم جریان انرژی را در وجود موجودات زنده باید پذیرفت.

همین موضوع است که جریان انرژی را در وجود موجودات زنده دچار مشکل می‌نماید. وقتی بیماری در ناحیه‌ای از بدن خود دچار ناراحتی شده و شکایتی دارد در واقع جریان انرژی در این قسمت از بدن آن شخص دچار مشکل شده و انرژی یا با سرعتی زیادتر حرکت می‌کند و یا این که دچار مشکل جریانی شده است. درمانگر در این میان بایستی به نحوی عمل نماید که حرکت و طول موج انرژی جاری شده در بدن شخص بیمار را به حالت تعادل برگرداند تا حالت

تکمیلی در وجود بیمار ظاهر شود.

حیات آدمی و یا هر موجود زنده با انرژی همراه است و جریان انرژی است که او را در زنده ماندن ابقاء می نماید و یا دچار مشکل می سازد. جریان انرژی در وجود انسانها برای کسب زندگی در اصطلاح دانشمندان به نگانتروپیک^(۱) (ضد جریان انتروپی) شناخته می شود. یعنی به عبارتی روشنتر زنده ماندن موجودات زنده در عین حالی که از جاری شدن انرژی مثبت امکان پذیر می گردد، گاهی با جریانات ضد مثبت که بدان نمی توان جریان منفی نام نهاد، به حیات خود ادامه می دهد. یعنی به نوعی انتظام در جریان انرژی در بدن موجودات زنده باعث می شود که همیشه حالات ارگانیکی موجود زنده پویایی خود را حفظ نماید. تمامی نگانتروپیک موجود در ارگانیزمهای موجود زنده در حال تنش و یا جذب بوده و این عمل است که باعث می گردد انرژی درمانی موجودیت واقعی به خود بگیرد.

همانگونه که بحث شد، بدن موجودات زنده به نوعی در داد و ستد انرژی قرار گرفته و در جریان رشد و نمو خود با انرژیهای جاذب و دافع درگیر می باشد. زمانی که میزان فاکتورها و یا عوامل لازم برای رشد بدن انسان بیش از حد جذب شود، میزان افزایش انرژی حاصل از آنها نیز در بدن انسان و یا هر موجود زنده زیادتیر می شود. در این حالت رشد و نیرومندی نه تنها به عنوان رشد کامل شناخته نمی شود که به نوعی بیماری تلقی می گردد. به طور مثال شاید در زندگی خود

شاهد بوده‌اید که کودکی بیش از اندازه و سن خود رشد می‌کند و از هیکل و یا قامتی بلندتر برخوردار است. این رشد را نمی‌توان به عنوان نرشد مثبت ارزیابی کرد و آن را به عنوان رشد سالم کودک تلقی نمود. این خود نوعی بیماری است که از عدم تعادل جریان انرژی در پدیده‌های ریزتر وجود آن کودک ناشی شده است. در این میان است که درمانگر و یا پزشک می‌تواند به کمک داروهای خاصی که هر کدام انرژی خاصی را دارند و یا به وسیله تماس دست آن‌ها را متعادل کرده و از بروز خطرات احتمالی دیگر کودک جلوگیری نمود. شاید بر شما این امر مشتبه شود که دارو مگر می‌تواند انرژی را کنترل نماید؟ باید در پاسخ بگوییم که دارو نیز به مثابه داشتن موادی که در خود احتواء نموده است، به مقداری معین انرژی خود را دارد و با ورود به وجود انسان همان انرژی حالات ایجاد معیار و تعادل را برقرار نموده و در جریان انرژی حالت دفت و یا جذب را ایجاد می‌کند. در واقع می‌توان گفت که اگر بدن به صورت عادی رشد نماید از نوعی حرکت اتونومی برخوردار است و بدون هیچ محرک و یا بازدارنده‌ای می‌تواند به رشد و توسعه خود ادامه دهد. در غیراین صورت بدن بیمار بوده و جریان انرژی باید در وجود انسان و یا هر پدیده‌ی جاندار تحت کنترل قرارگیرد.

انرژی درمانی در سایه‌ی همین برداشتها و تجربیات علمی است که اهمیت خود را نشان داده و ثابت گردیده است که می‌تواند با متعادل کردن جریان انرژی در وجود هر نوع جاندار امکان بقا را فراهم کرده و پدیده را از مشکلات حیاتی رهایی بخشد.

درمانگر انرژی درمانی در جریان درمان بیمار سعی می‌نماید که

جریان انرژی را که در نقاط بدن دچار احتقان و انسداد شده است، آزاد ساخته و آن را به حالت تعادل بازگرداند. به طور مثال زمانی که بیمار اظهار ناراحتی از ناحیه‌ی ریه می‌کند، درمانگر می‌داند که جریان انرژی در این ناحیه یا شدت یافته و یا دچار نقصان شده است. در جریان انرژی درمانی و تماس دستان شفا بخش است که درمانگر تمامی انرژی خود را به کار بسته و به همراه انرژی موجود در بدن بیمار جریان آن را در کوچکترین بافتهای بدن بیمار عملی می‌سازد. اگر در این حالت موفق باشد، میزان کسب اکسیژن در ریه بیمار افزونتر شده و حالات عادی به وی باز می‌گردد و نشانه‌های اولیه‌ی بهبودی در او ظاهر می‌شود.

از میان برداشتن تمامی موانع و بلوکه‌بندیهای حاصل از انسداد جریان انرژی می‌تواند بیمار را به صحت و سلامتی سوق دهد. در جریان درمان به وسیله درمانگر آنچه که عملی می‌شود، جریان مطلق انرژی است. در بسیاری از موارد بیمار خود به دلیل نداشتن توانایی و یا تردید در کسب بهبودی نمی‌تواند انرژی خود را برای رفع مشکل خود بکار بگیرد که در اینجا رسالت و وظیفه‌ی انسانی درمانگر ایجاب می‌نماید که از انرژی خود بهره بگیرد. ناگفته نماند که درمانگران در جریان درمانهای ممتد بیماران اگر به هر دلیلی بیش از اندازه از نیرو و انرژی وجودی خودشان بهره بگیرند در بسیاری از مواقع خود دچار مشکل شده و از این رو توصیه می‌گردد که در بروز چنین مواردی بیش از دو سئانس به درمان بیماران نپردازند و یا این که بعد از احساس خستگی به عملیات مدیتیشن و یا یوگا روی آورند تا انرژی جاری در وجود خودشان را به حالت متعادل برگردانند.

محققاً با بکارگیری درمان به وسیله انرژی شاهد آن خواهید بود که اطرافیان شما نگاه تازه‌ای به شما کسب خواهند کرد. در این صورت باید توجه داشته باشید که تمجید و یا تقدیر دیگران باعث آن نشود که برخی انرژیهای مضر در وجود و یا مغز و قلب شما رشد یابد. این عمل نه تنها باعث می‌شود که شما در طول جریان درمان دچار مشکل شوید که چه بسا در اجرای عمل انرژی درمانی به شکستهایی نیز روی بیاورید. تمجید و تقدیر به نوعی حالات انرژی تشدیدکننده را در وجود بشر افزایش داده و میزان ارتعاشات انرژی را در بدن افزایش می‌دهد. اگر این انرژی قابل کنترل نباشد، بسیار خطرناک خواهد بود.

دورا کونز و اریک پپر برای نخستین بار از سوی اف. ال. کونز همین تئوری را به مرحله آزمایش نهادند. در جریان بررسی متوجه شدند که انرژی حاصل از تشویق و یا تجمید و یا خودبینی در برابر کسب موفقیت در نگاه دیگران باعث می‌شود که نه تنها جریان انرژی از نظر روانی که از لحاظ جسمی نیز به وجود آدمی زیان برسانند. افزایش انرژی حاصل از تشویق منجر به احساس غرور شده و آدمی تلاش می‌نماید بیش از آنچه که بوده و هست، خود نشان دهد و کارهایی را که از دستش بر نمی‌آید انجام دهد و یا این که در جریان عملی قرار گیرد که نتواند از عهده‌اش برآمده و به ناچار ردچار تشویش و یا استرسهای بی‌مورد گردد. این موارد تماماً در کسب حالات متعال انرژی مانع بوده و فرد را دچار مشکلات عدیده‌ای می‌نماید. حال اگر این حالت در درمانگر صدقیت یابد، مشکل دو چندان می‌شود و عدم وجود تعادل انرژی در وجود درمانگر باعث می‌شود که بیمار نیز از انرژی متعادلی برخوردار نشده و یا نتیجه‌ای از عملکرد درمانگر

حاصل ننماید و یا این که در جریان سازی انرژی، درمانگر به وجودش خود به نامتعادل بودن انرژی دچتر شود.

در واقع می توان در یک جمله خلاصه کرد که انسان قالب تأثیرپذیر و تأثیرگذاری است که در میدان انرژیهای جاری شده در کائنات حالات خود محوری دارد. یعنی به عبارتی روشنتر نه تنها خود از انرژیهای دیگر و موجود در اطرافش تأثیر می پذیرد، اما به نوبه خود دارای انرژی خاصی است که می تواند آن را کنترل نموده و خود در صورت خواست و تمنی می تواند بر سایر انرژیها اثر کند.

در میان ما درمانگران انرژی درمانی این واقعیت وجود دارد و حکم می کند که ما هر شخص بیماری را به عنوان فردی که دچار مشکل شده و نیازمند انرژی ماست، به حساب آورده و او را از لحاظ روحی، روانی، فیزیکی و ذهنی و حتی احساسی درک می کنیم. این بدان معنی نیست که خودمان را فراتر از بیمار می دانیم و یا خویشتن را معجزه گر می شماریم، بلکه واقعیت این است که ما خودمان را به عنوان منشوری می دانیم که وقتی انرژی از وجود ما ساطع می شود، تبدیل به رنگهای مختلفی شده و طیف نوری از رنگهای مختلف را ایجاد کرده و همان نورها را به درون وجود بیمار انتقال می دهیم.

باید بدانید که بدن، ذهن و روح پدیده های متجزا از یکدیگر نبوده و هر کدام به نوع خود حالت وحدانیت ندارند؛ بلکه هر سه این ها در کنار هم و در کنش و اکنش همدیگر می توانند موجودیت خویش را اثبات نموده و به حالتی از عملکرد رفتاری و احساسی انسان نماد عینی بیابند. انسان دارای انرژی کامل و چند جانبه ای است که این سیستم را در هیچیک از موجودات زنده نمی توان یافت. به همین خاطر

است که ایجاد مشکل جریان انرژی در وجود آدمی بیش از وجود هر موجود زنده حالات ظاهری خود را نشان می دهد. به مثابه همین تفاوت است که بهبودی و یا بیماری انسان آشکارتر بوده و درمان آن نیز به همان میزان به وسیله ی کنترل جریان انرژی سهل تر می نماید.

زمانی که انرژی درمانی به وسیله درمانگر به مرحله ی انجام می رسد، در واقع درمانگر انرژی لوکالیزه را مورد استفاده قرار داده و آن را در محیطی که بیمار از آن شکایت دارد، جاری می سازد. اگر این انرژی بتواند میزان انرژی مسدود شده در آن ناحیه را رها ساخته و انرژی موجود در بدن بیمار خود به تعادل برسد، که کسب بهبودی سهل تر خواهد بود در غیر این صورت انرژی ساطع شده از سوی درمانگر خواهد توانست در سئانسهای مختلف بیمار را به سوی شفا یافتن سوق دهد. در جریان انرژی درمانی این را فراموش نکنید که به هیچ وجه از تماسهای فیزیکی استفاده نشود، چرا که تماسهای فیزیکی خود جریان انرژی را دچار اختلال نموده و یا به شدت و حدت آنها سبب می شود. در انرژی درمانی آنچه که مهم است، تماس نزدیک و نامحسوس دستهاست که می تواند بیمار را شفا بخشد. درمانگر در جریان درمان نبایستی به هیچوجه به لمس کردن بدن بیمار اهتمام بورزد. دست زدن به به بیمار در جریان انرژی درمانی ذهنیت و حالات احساسی بیمار را دچار مشکل می نماید و یا این که تمرکز او را از بین می برد. در درمان به وسیله ی انرژی درمانی آنچه که باید بدان اهمیت داده شود، قرار دادن دستها در پشت و جلو و یا طرفین بدن بیمار است که انرژی درمیان آنها درک شود.

نوع نشستن و لحن و گفتار درمانگر نیز می تواند در کسب نتیجه ی

مطلوب مؤثر واقع شود. اگر نوع رفتار و لحن درمانگر به نوعی باشد که بتواند احساسات ناخواسته‌ای را در بیمار ایجاد نماید (مخصوصاً در جنس مخالف) مسلماً تمرکز فکری بیمار در کسب انرژی مقید و ملزم نشده و به ناچار نتیجه‌ای که می‌بایست اخذ گردد، حاصل نمی‌شود. درمانگر در جریان درمان بیمار باید در نقطه‌ای از بیمار بنشیند که به انگار عمود بر اوست. یعنی اگر صورت بیمار به جلوست درمانگر می‌بایستی در کنار و پهلوی وی قرار بگیرد.

اصول و شروط یاد شده به عنوان قوانین اصلی درمان در انرژی درمانی است که می‌بایست شما خوانندگان عزیز در اقدام به انرژی درمانی به آن‌ها توجه نمایید. یقین بدانید که در سایه همین شیوه‌ها و در طول دوران و ممارست خواهید توانست به نتایج مثبتی نایل آمده و خدمت شایانی به جامعه بشری خواهید کرد. در فصل بعدی در رابطه با بیماریها و شیوه درمان آن‌ها و روشهای عملی انرژی درمانی خواهیم پرداخت.



بخش سوم

روشهای درمانی

هیچگاه فراموش نکنید که شما دارای انرژی خاصی هستید که می‌توانید به عنوان پدیده‌ای از عالم خلقت انتظام درونی خود را تثبیت نمایید. برای درمان کردن و شفا دادن کافیست که همین انرژی خاص تحت انتظام و تعادل قرار گیرد و چیز دیگری نیاز نیست.

درمانگر برجسته انرژی درمانی، دورا کونز^(۱)

انرژی درمانی در اساس بینش و تفکر خود مبتنی بر اعتقاد و ایمان به اموری است که منتج به شفا و درمان می‌شود. به عبارتی، در انرژی درمانی آنچه که به نهایت به درمان و شفا یافتن منتهی می‌گردد، از سویی به اعتقاد و درک قلبی بیمار و از سوی دیگر به بیان واضح و صریح درمانگر در درمان بیماری و همچنین واقعیت جریان انرژی مربوط می‌شود. برای شروع درمان در انرژی درمانی باید به نکات زیر توجه شود:

- باید به میزان و خصوصیات انرژی فرد بیمار توجه شود.
- باید موقعیتها و مناطقی از بدن بیمار که در آن انرژی محدود شده و یا از تعادل خارج گردیده و یا در آن جریان مناسبی ندارد،

بررسی و شناخته شوند.

- باید راههای رفع ناراحتی و یا انسداد جریان انرژی پیدا شود.
- باید نقاطی از بدن که در آنها انرژی به محدودیت رسیده و یا احساس نمی شود، با جریان انرژی القایی تکمیل شوند.
- باید جریان انرژی در بدن بیمار به حالت تعادل برسد.

مراحلی را که در فوق بدانها اشاره شد، مواردی نیستند که مجزای از همدیگر به آنها پرداخته شود؛ بلکه مراحل از انجام انرژی درمانی هستند که بایستی به ترتیب به اجرای آنها اقدام نمود. در بسیاری مواقع، امور یاد شده یکایک نیز مورد ارزیابی و درمان قرار گرفته و اجرا می شوند ولی مثبت ترین و مناسبترین شیوه در درمان کلی و قطعی بیمار به طریقه انرژی درمانی چیزی است که به آن اشاره شد و باید تمامی موارد مد نظر قرار گیرند.

زمانی که هر کدام از مراحل را مد نظر قرار دادید و به آنها اهمیت دادید، آن زمان اهم حرکت مرحله‌ای را در درمان بیمار در خواهید یافت. در اجرای هر کدام از مراحل یاد شده، در خواهید یافت که با اجرای هر یک از مراحل چسان در تقویت دیگر مراحل موثر خواهند بود و شما به سهولت به نتایج خواهید رسید.

این کتاب در اجرای روشهای انرژی درمانی نه تنها کتاب ناقصی نمی تواند تلقی شود که در نوع خود با زبان ساده شیوه‌های مفید و قابل نتیجه‌گیری را آموزش می دهد. لذا توجه به نکات بارز آن و اجرای یکایک مراحل می تواند شما را در کسب نتیجه یاری دهد. با اجرای بخشهای مختلف این کتاب به نهایت با پتانسیلهای رفتاری و عملی خود نیز آشنا شده و خود را در درجه‌ای از توانایی خواهید یافت که قادر به درمان خیل عظیمی از مردم خواهید شد. همانگونه

که شنا کردن، دوچرخه سواری، رقصیدن نیاز به تمرین و ممارست دارد و هر اندازه فعالیت و تمرین در آنها می تواند شما را در کسب نتایج بهتری دهد، در انرژی درمانی نیز همین امر صدق می نماید و هر اندازه با کاردانی و کارآیی بیشتر بر تواناییهای خود واقف شده و بدان طریق بتوانید با تمرین و ممارست آنها را به مرحله انجام برسانید، به نهایت موفقیتهای خودتان را نیز شاهد خواهید بود.

در واقع می توان گفت که انرژی درمانی شیوه ای است که باید آن را حس کرد و با آن زیست. در ابتدای کار شاید به سرعت و یا به صورت قابل محسوس به نتایجی نرسیده باشید ولی این کار نبایستی شما را به ناامیدی و یأس سوق دهد. زیرا هر اندازه در انرژی درمانی بتوانید با اصرار و مجادلت بر تسلط بر شیوه های مثبت و نتیجه بخش اقدام نمایید، در نتیجه به راحتی نیز قادر به کسب نتیجه خواهید شد.

آماده شدن برای اجرای عملیات انرژی درمانی

نخستین مرحله آماده شدن برای شروع عملیات انرژی درمانی، این است که درمانگر خود را در حالت ساکن و آرام حاضر ساخته و به عبارتی آرامش خود را داشته باشد. بعد از آن تمرکز فکری و اندیشیدن به درمان شرط اصلی است. باید دانست که اگر ذهن درمانگر مشغول باشد و یا حواسش به جای دیگری متمرکز شده باشد و یا احساسات بر او غلبه نموده باشد، تاثیر امواج مغناطیسی و انرژی خاصی که در خود دارد به بیمار منتقل شده و چه بسا نتایج ناخواسته ای را به دست دهد. از این رو در شرایطی که احساس می نماید فکرتان مشغول بوده و یا قدرت تمرکز فکری را ندارید و یا حالتی افسرده و محزون و غمگین دارید و یا فکرتان به چیز دیگری

مشغول می‌شود، هیچگاه ه انرژی درمانی نپردازید. زیرا نتایج منفی حاصل از انرژیهای منفی شما نه تنها بیمار را ناراحت و بدتر می‌سازد که شما را نیز در درمان بیمار دچار مشکلات دیگری می‌سازد. اگر مجبور به درمان هستید و نمی‌توانید تمرکز حواس و فکر خود را داشته باشید، شایسته است ابتدای امر با عملیات و نرمشهای آماده سازی فکری و جسمی خودتان را مهیا برای اجرای عملیات انرژی درمانی کنید. البته در شرایط عادی هم که آمادگی لازم را برای درمان دارید، توسل جستن به نرمشهای فکری و جسمی مانند یوگا می‌تواند شما را در انجام عمل موفق و موثر سازد.

برای نرمشهای عادی جهت آماده شدن برای تمرکز حواس و یا فکر به شیوه‌های زیر نیز می‌توان توسل جست:

(۱) در جایی خلوت و ساکت بر روی کف زمین بنشینید. چشمهایتان را بسته و نفس راحت و عمیقی را به دفعات بکشید.

(۲) در حالیکه عمل دم (نفس کشیدن) را انجام می‌دهید، در عمل بازدم به آرامی نفسهای خودتان را پس دهید. این کار را به دفعات تکرار کنید.

(۳) اگر علاقمند به طبیعت هستید و یا به هر چیزی که بدان بیشتر علاقه دارید، (مثل: کوه، درخت، پرند و...) ذهن خودتان را بر روی آن متمرکز نمایید. اگر در این حالت نیز باز ذهنتان به جای دیگری هدایت شود باز عجله نکرده و ناامید نشوید و به تدریج ذهن و فکرتان را به آنچه برایتان ایماژ قابل قبولی بوده (مثل: پرند و یا درخت و کوه) سوق دهید. ذهن خودتان را برای کسب آرامش و یا تمرکز فکری خسته نسازید. فقط تلاش کنید که ذهنتان به سمت و سوی ایماژهای مورد علاقه شما هدایت شود و اگر در این کار نیز

موفق نشدید، آن روز از ادامه کار و یا توسل به درمان به وسیله‌ی انرژی درمانی منصرف شوید.

استفاده از روش تمرکز فکری و توسل به نرمشهای ذهنی و جسمی خواهد توانست شما را از نظر جسمی و فیزیکی نیز به آرامش برساند. البته محدودیت زمانی و یا تایم خاص در این کار مد نظر نیست و شما مادامی که احساس نکرده‌اید که به تمرکز فکری و آرامش روانی نرسیده‌اید به نرمشهای خود ادامه دهید. این نرمش می‌تواند در چند ثانیه و یا چند دقیقه به شما آرامش لازم را در تمرکز فکری بدهد. آنچه که در این نرمش اهمیت دارد، احساس آرامش و تکمیل بودن از لحاظ جسمی و فکری است. به این روش در اصطلاح «بازگشت به خود» یا «رجعت به درون» می‌گویند. بعد از اینکه توانایی و آمادگی ذهنی و فکری خودتان را باز یافتید، می‌توانید به درمان بیمار خود پردازید.

در این حالت باید آمادگی روحی و جسمی بیمار را نیز بررسی نمایید. زمانی که حس کردید که بیمار آمادگی لازم را دارد تا شما بر رویش عملیات انرژی درمانی را اجرا نمایید، ابتدا به آرامی گردن و شانه‌های او را ماساژ دهید. بسیاری از انسانها در این قسمت از وجودشان احساس ناراحتی و کوفتگی می‌نمایند و با ماساژ سطحی و آرامی به آرامش خوبی می‌رسند. اگر بیمار احساس نمود که آرامش یافته و یا از نواحی یاد شده احساس رفع خستگی کرده، آن زمان باید ایمان داشته باشید که او آماده برای انرژی درمانی است و در چنین حالتی به سرعت پاسخگو می‌شود. در چنین شرایطی رابطه میان شما و بیمار خیلی مهیا و راحت خواهد بود و بیمار سریعاً واکنشهای مثبت را به شما نشان خواهد داد. باید بدانید که رابطه باطنی و قلبی

میان بیمار و درمانگر کمک موثری می‌تواند در پیشرفت امر داشته باشد. هر اندازه بیمار با شما رابطه عاطفی، باطنی و روحی بیشتری داشته باشد، سریعاً انرژی شما را درک خواهد کرد و اگر در انتقال انرژی از سوی شما نقصان و یا کسوری صورت بگیرد، تمایل و آمادگی بیمار به کسب انرژی باز باعث خواهد شد که جریان انرژی از سوی شما به وجود او بیش از پیش ادامه یابد. در حقیقت می‌توان گفت که آمادگی دو جانبه از سوی شما و بیمار به نوعی زمینه ساز حالت کنسانتره و تمرکز فکری و ذهنی کامل به شمار می‌رود. در چنین حالتی انرژی شما به اعماق وجود بیمار انتقال یافته و گاهاً برخی از بیماریها و عوارضی که به صورت فردی در نقاط دیگر بدن موجود هستند، تحت انرژی قرار گرفته و آنها نیز تاثیرات اخذ شده را نشان خواهند داد. از این رو دوره درمان به وسیله انرژی نه تنها روشی درمانی است که روشی برای ساکن کردن، کامل کردن و خلاق نمودن فرد بیمار به حساب می‌آید.

معاینه بیمار

در شرایطی که معاینه می‌کنید و دستهایتان را به فاصله ۸-۱۲ سانتیمتر از بدن بیمار قرار داده‌اید، به راحتی قادر خواهید بود که جریان انرژی در بدن بیمار را حس نمایید. زمانی که دستها نزدیکتر از این فاصله قرار گرفته باشند، انرژی موجود در میان بافتهای لباس و یا حرارت ناشی از بدن باعث خواهند شد که شما انرژی را آنگونه که بایسته است، حس نمایید. به همین صورت چنانچه دستها به فاصله‌ای بیش از این نیز قرار گرفته باشند، قادر به درک جریان انرژی نخواهید بود و در اندک تغییراتی حس خواهید کرد که انرژی از

حرکت باز ایستاده است و یا اینکه کم حرکت تر می باشد. این نکته را مد نظر داشته باشید که وقتی بیمار از ناحیه‌ای احساس ناراحتی نماید و به طور مثال ادعا کند که در ناحیه شکم و روده‌ها ناراحتی دارد، باید شما تنها به نقطه‌ای که روده‌ها در آن جای گرفته‌اند، توجه نداشته باشید و به تمامی نقاط بدن توجه نمایید و انرژی موجود در آن را کنترل نمایید. به خاطر اینکه سیستم انرژی حیات به صورت دینامیک و به هم پیوسته جریان دارند، لذا باید به تمامی نقاط بدن توجه نمود تا جاهایی را که احتمال دارد در آنجا انرژی به احتقان رسیده است، آزاد نمود تا دیگر نقاط بدن نیز از وجود انرژی سودمند گردند.

حرکات دستها:

در هنگام معاینه استفاده از حرکات فیزیکی خیلی آسان و انجام آنها نیز بسیار ساده است. در ابتدای کار و شروع معاینه شاید حرکات دستها برای دیگران و خود بیمار عجیب جلوه نمایند، ولی همین که به درمان بیمار پرداختید و به کار ادامه دادید، همه چیز و تمامی حرکات نرمال و طبیعی جلوه خواهند کرد. از این رو در صورت بروز رفتارها و واکنشهای غیر قابل انتظار از سوی بیمار و یا اطرافیان وی در وهله اول ناراحت و ناامید نشوید. باید گفت که معاینه به دو صورت انجام می‌گیرد: (به شکل شماره ۱ توجه نمایید).

۱- بیمار را به نحوی بر روی صندلی (بدون پشتی) و یا چهارپایه و یا چیزی که شبیه صندلی باشد، بنشانید که کمرش و یا بدنش خمیده نباشد و صاف و راست بنشیند.

۲- شما نیز به گونه‌ای در کنار بیمار بنشینید که یکی از دستهایتان در پشت سر بیمار و دست دیگرتان در جلوی بدن بیمار قرار گرفته



شکل (۱)

باشد. این حالت را می‌توانید به صورت نشسته و یا چمباتمه زده

انجام دهید.

۳- دستهایتان را از میان میدان انرژی بیمار بگذرانید (به فاصله ۸-۱۲ سانتی متر) و کف دستهایتان را طوری بگیرید که آنها به سمت بدن بیمار گرفته شده باشند. آنگاه دستهایتان را از بالای سر بیمار در همان فاصله به آرامی حرکت داده و به پایین بیاپید و در این حالت سعی نمایید که انرژی و دیوار آن را در روی کف دستهایتان حس کنید. توجه داشته باشید وقتی کف دستی که در پشت بیمار قرار داده‌اید، تا ناحیه ابتدای باسنها برسد و همان دستتان را در همان جا نگهدارید و دست دیگرتان را که در جلوی بیمار قرار گرفته از ناحیه رانها به زانو و از آنجا به پایین بیاورید و با رسیدن به ناحیه پا همانجا نگدارید.

شکل دوم از حرکات دستها (شکل شماره ۲):

۱) بیمار را بر روی صندلی و یا چهارپایه قرار دهید و خودتان نیز در کنار آن قرار بگیرید.

۲- در برابر بیمار نشسته و یا اینکه بر روی زانوان خود بنشینید. دستهایتان به موازات هم قرار داده و از ناحیه سر حرکت دستهایتان را تا پایین ادامه دهید.

۳- این کار را بار دیگر در پشت سر بیمار انجام دهید و دستهایتان را به همان وضعیت در پشت بیمار به حرکت وادار سازید.

هر کدام از این روشها به نوع خود دارای امتیازات خاصی هستند. در شکل و روش نخست، نشانه‌ها (در بخشهای بعدی به آنها خواهیم پرداخت) به سهولت حس می‌گردند. زمانی که دستهایمان به صورت برابر و مقابل هم قرار می‌گیرند، حالت قطبین را ایجاد کرده و به شکل دو آهن ربای مقابل هم و قطبین غیر هم نام عمل می‌نمایند. و این



شکل (۳)

عمل باعث می شود که انرژی میان دستها به خوبی جریان یافته و با حرکت نمایند. همین حالت از طرفی منجر به افزایش و یا جابجایی انرژی می شود. در شیوه دوم نیز وقتی دستها به موازات همدیگر



در روی بدن بیمار به فاصله گفته شده حرکت می نمایند، دستها میدان انرژی و میزان شدت و یا حدت آن را در طرفین بدن حس می نمایند. اگر بیمار شما به گونه ای باشد که قادر به بلند شدن از بستر بیماری نباشد و یا قدرت نشستن را نداشته باشد، آن زمان بایستی درمانگر از بیمار بخواهد که به پهلو بخوابد و دستهای خودش را یکی در طرف پشت و دیگری در جلوی آن قرار دهد و انرژی را حس کرده و نسبت به انتقال انرژی اقدام نماید. در حالی که بیمار روی بستر را درمان

انجام دهید.

۳- دستهایتان را از میان میدان انرژی بیمار بگذرانید (به فاصله ۸-۱۲ سانتی متر) و کف دستهایتان را طوری بگیرید که آنها به سمت بدن بیمار گرفته شده باشند. آنگاه دستهایتان را از بالای سر بیمار در همان فاصله به آرامی حرکت داده و به پایین بیاورید و در این حالت سعی نمایید که انرژی و دیوار آن را در روی کف دستهایتان حس کنید. توجه داشته باشید وقتی کف دستی که در پشت بیمار قرار داده‌اید، تا ناحیه ابتدای باسنها برسد و همان دستتان را در همان جا نگهدارید و دست دیگرتان را که در جلوی بیمار قرار گرفته از ناحیه رانها به زانو و از آنجا به پایین بیاورید و با رسیدن به ناحیه پا همانجا نگذارید.

شکل دوم از حرکات دستها (شکل شماره ۲):

۱) بیمار را بر روی صندلی و یا چهارپایه قرار دهید و خودتان نیز در کنار آن قرار بگیرید.

۲- در برابر بیمار نشسته و یا اینکه بر روی زانوان خود بنشینید. دستهایتان به موازات هم قرار داده و از ناحیه سر حرکت دستهایتان را تا پایین ادامه دهید.

۳- این کار را بار دیگر در پشت سر بیمار انجام دهید و دستهایتان را به همان وضعیت در پشت بیمار به حرکت وادار سازید.

هر کدام از این روشها به نوع خود دارای امتیازات خاصی هستند. در شکل و روش نخست، نشانه‌ها (در بخشهای بعدی به آنها خواهیم پرداخت) به سهولت حس می‌گردند. زمانی که دستهایمان به صورت برابر و مقابل هم قرار می‌گیرند، حالت قطبین را ایجاد کرده و به شکل دو آهن ربای مقابل هم و قطبین غیر هم نام عمل می‌نمایند. و این



شکل (۳)

عمل باعث می شود که انرژی میان دستها به خوبی جریان یافته و با حرکت نمایند. همین حالت از طرفی منجر به افزایش و یا جابجایی انرژی می شود. در شیوه دوم نیز وقتی دستها به موازات همدیگر



در روی بدن بیمار به فاصله گفته شده حرکت می نمایند، دستها میدان انرژی و میزان شدت و یا حدت آن را در طرفین بدن حس می نمایند. اگر بیمار شما به گونه ای باشد که قادر به بلند شدن از بستر بیماری نباشد و یا قدرت نشستن را نداشته باشد، آن زمان بایستی درمانگر از بیمار بخواهد که به پهلو بخوابد و دستهای خودش را یکی در طرف پشت و دیگری در جلوی آن قرار دهد و انرژی را حس کرده و نسبت به انتقال انرژی اقدام نماید. در حالی که بیمار روی بستر را درمان

می‌کنید، باید به گونه‌ای بنشینید و در کنارش قرار بگیرید که احساس راحتی نمایید تا با راحتی و فراغت بال انرژی بیمار را کنترل کرده و با خودتان انرژی را به صورت لازم انتقال نمایید.

باید توجه داشته باشید که مدت زمان درمان باید به حداقل برسد تا هم خودتان خسته نشوید و هم اینکه بیمار احساس خستگی ننماید. اگر نیازمند مدت زمان بیشتری شدید، نباید بیش از ۲۰-۱۵ دقیقه طول بکشد. اگر حرکت شما به کندی انجام می‌گیرد، می‌توانید دوره‌های درمان را به چند سئانس تقسیم نمایید. اگر حرکت دستهای شما در اثر تمرین و ممارست بیشتر باشد و سریع باشد، آن زمان می‌توانید زودتر از زمان لازم نیز به سئانس درمانی خود پایان ببخشید. با دیدن نشانه‌ها و انتقال انرژی می‌توانید یقین داشته باشید که به موفقیت رسیده‌اید و بیمار احساس آرامش و درمان خواهد کرد و نیازی به طولانی کردن مدت درمان نخواهید داشت. در حین درمان باید دستهایتان به آرامی و خیلی روان حرکت نمایند و از بروز رفتارهای عجیب و غریب و عجمی پرهیز نمایید و در صورت نیاز به حرکت خود نیز، سعی نمایید که حرکات و جابجا شدن‌تان به آرامی انجام بگیرد و انقطاعی در میان عمل حرکت - درمانی شما ایجاد نگردد.

با کوچکترین عدم تمرکز فکری و یا حرکتی که بتواند دستهای شما را از فاصله مورد نظر دور سازد، ناخواسته جریان انرژی را نیز دچار مختل خواهد ساخت.

نشانه‌ها:

زمانی که فرد سالمی را تحت معالجه و درمان قرار دادید، به

تدریج جریان انرژی ملایم و منظمی را همراه با حرارت قابل محسوسش حس می‌نمایید. زمانی که در جلسات تدریس به دانشجویانم در این خصوص درس می‌دهم، آنان به دفعات از من جویا می‌شوند که چسان می‌توان این انرژی و گرما را درک کرد و در تداوم جلسات و تمرینات مکررا همین سؤال را می‌کردند که در با توجه به تمریناتی که داشتند، خود به نتایج لازم رسیده بودند. جریان انرژی به طور معمول در بدن به هیچ عنوان منقطع نمی‌شود و به طور یکنواخت به تمامی نقاط بدن پخش می‌گردد. زمانی که شما دستهایتان را در اطراف بدن فرد قرار می‌دهید به ناگاه آنرا حس می‌کنید. زمانی که فرد بیمار باشد، جریان انرژی دچار اختلال جریانی شده و شما در هنگام حرکت دادن دستهایتان در اطراف وجود بیمار، باز ناخواسته متوجه می‌شوید که در نقطه‌ای از بدن جریان انرژی وجود ندارد و یا در آن نقطه سردی خاصی را حس می‌نمایید. این علامت نشان دهنده آن است که فرد در همان نقطه دچار مشکل شده و بیمار می‌باشد. البته ناگفته پیداست که جریان انرژی منقطع در بدن بیمار به صورتهای مختلفی مشخص می‌شوند که شباهتهای یکسانی به همدیگر نداشته و باید آنها را درک کرد. این امر نیز در طول ممارست و تمرینات و درمان بیماران بر شما آشکار و ملموس خواهد بود. برای اینکه نمونه‌ها و نشانه‌های لازم را در تشخیص بیماری مشخص نمایید، به چهار عامل اصلی اشاره می‌کنم. به عبارتی روشنتر، شاخه‌های تشخیص بیماری و یا انقطاع انرژی را در وجود بیمار به چهار شاخه‌ی اصلی تقسیم کرده‌ام که در زیر به توضیحات مفصل آن خواهیم پرداخت.

انقطاع و انسداد انرژی به صورت خفیف:

چنین ناراحتی و حالت احتقان در بیمار چنان احساس می شود که انگار ابر سیاه بر بالای سرش حاکم شده و احساس دلتنگی و خفگی می کند. یا این که بیمار حس می کند که موج گرمای خاصی او را خفه می نماید و بر روی سینه و ریه های خود حالت تنگی نفس و فشار و گاهی سنگینی احساس می نماید. اگر بیمار دارای زخم و یا التهاب در بدن خود باشد، این نوع حالات غالباً بر وی عارض می شود. این نوع ناراحتی تنها در ناحیه سینه و دیافراگم بیمار حس شده و ناراحتی مفرط او در تنفس می باشد و در سایر نقاط بدن گردش خون و جریان انرژی به صورت طبیعی ادامه می یابد. البته ناگفته پیداست که این احساس و شدت ناراحتی از بیماری نسبت به بیمار دیگر متفاوت می باشد. در برخی از بیماران دیده می شود که این ناراحتی توأم با درد شدید و سنگینی در ناحیه سینه است و در برخی دیگر تنها حالت تب شدید و احساس خفگی از گرما مشاهده می گردد. در هر حال هر دو بیمار دارای یک نوع بیماری بوده و درمانگر باید به اصل قضیه توجه داشته باشد. اگر درمانگر احساس نماید که بیمار دارای چنین ناراحتی است نباید به جهات دیگر بدن وی متوجه شده و تخمینهای نادرستی را از خود داشته باشد زیرا این حالات و بیان احساسات از بیماران به نوع احساس آنها و طرز بیان احساسات افراد که یقیناً با همدیگر متفاوت می باشند، بستگی دارد و تنها باید به تداوی و درمان بیماری پرداخت.

حالت خفقان و یا احساس احتقان شدید:

اگر ناراحتی حاصل از احتقان و یا تنگی نفس در یک نقطه از بدن

ایجاد شود که غالباً در ناحیه سینه می باشد، باید به آن قسمت از بدن توجه نمود. ولی دیده شده است که بیمار از ناراحتی احتقان و تنگی در سایر نکات بدن نیز اظهار ناراحتی و درد می نماید. به طور مثال دیده می شود که بیماری مراجعه نموده و اظهار می دارد که هر شب به هنجگام خواب انگار ماهیچه های ساق پایش از پشت کرخت شده اند و یا آن ها را حس نمی کند و یا این که احساس می نماید که باید با چیز محکمی باید فشار داده شده و یا بسته شوند. در چنین حالتی نیز باید این نوع بیماران را نیز در جرگه ی بیماران قرار داد که دچار احتقان ناحیه ای شده اند. در درمان این نوع بیماری آنچه که لازم است این که، جریان انرژی در آن نقطه از بدن کنترل گردد. اگر بیمار در جریان درمان شما احساس نماید که قسمت ناراحت بدنش دچار گرمای خاصی شده است، آن زمان یقین بدانید که انرژی در آن قسمت از بدن دچار اختلال شده و نمی تواند جریان پیدا بکند. ولی اگر بیمار بگوید که علیرغم داشتن حسی غریب و این که گرمای خاصی را احساس می نماید ولی باز هم در آن ناحیه درد دارد، آن زمان باید متوجه گردید که این مشکل به حالت کرونیک از بیمار مشاهده می شود و دلیل اصلی احساس ناراحتی به اضطراب و ناراحتیهای عصبی وی بستگی دارد. این نوع بیماران را باید ابتدای امر از نظر روحی و ذهنی آماده کرد و آنگاه به درمان بیماری وی همت گمارد.

نمونه دیگری که در این نوع بیماری باید بدان اشاره کرد این که، ممکن است بیماری به شما مراجعه نماید و اظهار بدارد که دچار ناراحتی در ناحیه شکم خود بوده است و گاهی این ناراحتی از نواحی پهلوئی راست و چپ وی تا استخوان فقرات و مهره پشتی بدن نیز ادامه پیدا می کند. این ناراحتی نشان می دهد که فرد دارای التهاب در

روده‌ها و یا عفونتهای روده‌ای بوده که در اثر ترشحات حاصل از این التهابات و عدم توان دفع و یا انجام فعل و انفعالات لازم در روده‌ها باعث می‌شود که درد تا ناحیه پشت بدن بیمار نیز نفوذ کند. این که چرا درد تا پشت بدن بیمار نفوذ می‌کند خود جای بحث دارد. همانگونه که علم ثابت کرده است در برخی از نقاط بدن سلسله سیستم عصبی با یکدیگر در ارتباط بوده و در برخی نقاط بدن مرکز کنترل احساسی بعضی از اعصاب در یک جا متمرکز هستند. احساس ناراحتی ناحیه شکم اعم از روده و کلیه و حتی طحال و... به دلیل همین موضوع در ابتدا از ناحیه پشت بدن احساس می‌شود. به همین خاطر ابراز این که بیمار از پشت کمر و یا پهلوئی خود اظهار ناراحتی می‌کند، نبایستی امر مشتبه گردیده و تصور شود که بیمار از ناحیه کمر و یا ستون فقرات ناراحتی و مشکل دارد. آنچه که باید توجه شود این که باید جریان انرژی در بدن و اطراف نیم تنه‌ی بالای بیمار ادامه پیدا کند و اگر متوجه گردید که این جریان و درمان انرژی در ناحیه شکم می‌تواند بر طرف کننده‌ی ناراحتی بیمار شود، آن زمان دریابید که وی از ناحیه روده و شکم دچار بیماری شده است و احتمال زیادی وجود دارد که این بیمار دچار التهاب و یا عفونت روده‌ای و یا کلیه‌ای است. در چنین شرایطی از بیمار جویا شوید که آیا در هنگام دفع ادرار سوزش دارد و یا قطره قطره ادرار می‌کند، که اگر پاسخ مثبتی داد یقین بدانید که ناراحتی وی در کلیه‌های بیمار می‌باشد و اگر جواب منفی بود آن زمان از وی جویا شوید که روزانه چند دفعه برای دفع اجابت به توالی سر می‌زند و مزاج وی در دفع اجابت به چه نحوی است. اگر بیمار تعداد دفعات توالی رفتن خود را بیش از حد معمول بیان دارد و ابراز نماید که گاهی هم به صورت اسهال دفع اجابت می‌نماید، آن

زمان مسلم است که این بیمار دچار التهاب و یا عفونت روده است که در این جریان باید پزشک با درمان دارویی وارد عمل بشود تا بیمار را به کمک شما سریعتر به بهبودی سوق دهد.

کمبود انرژی:

به طور معمول بیماری زمانی رخ می‌نماید که انرژی در بدن دچار مشکل شده و یا از میزان آن کاسته شود. نشانه‌ی بارز کمبود انرژی را در حالات بیماری می‌توان یافت که دچار جراحات شده و یا از نواحی خاص بدن دچار التهابات می‌شود. در بیمارستان زمانی که بیماری را مشاهده می‌نمایید، او را بسیت ناتوان حس می‌کنید. این حالت ناشی از همان کاهش میزان انرژی در بدن بیمار است. کمبود انرژی غالباً در انسانهایی که دارای زخمهای شدیدی بوده‌اند بیشتر حس می‌گردد. برخی اعتقاد بر این دارند که انرژی فرد بیمار به خون او بستگی دارد و هر اندازه که از میزان خون در بدن کاسته شود، انرژی بیمار نیز رو به کاهش می‌گذارد.

این تصور از جنبه‌ای اشتباه و از جنبه‌ی دیگری درست است. همانگونه که می‌دانیم خون نیز به عنوان بخشی از عوامل حیاتی انسان در وجود بشر نهاده شده و این پدیده نیز به نوبه‌ی خود به انرژی نیازمند می‌باشد. زمانی که خون در بدن کاهش داشته باشد، به نوعی جریان انرژی در آن کاهش یافته و نمی‌تواند به تکثیر خود ادامه بدهد و یا این که به نحو مقتضی قادر به تغذیه‌ی سایر اجزای بدن نمی‌باشد. این بابت می‌توان گفت که کمبود خون خود باعث کاهش میزان انرژی در بدن می‌شود. اما از دیدگاهی دیگر این تصور غلط بوده و نمی‌توان انرژی موجود در بدن را همانا خود خون دانست.

شاید بارها شاهد بوده‌اید که انسانهایی هستند که کاملاً از نظر جسمانی فربه و پر خون بوده ولی از نواحی خاص بدن دچار ناراحتی می‌باشند. در این نوع افراد چه تصویری باید داشت؟ پس مسلم است که خون منبع انرژی و یا خود انرژی لازم برای حیات موجود زنده نیست.

بدن زمانی که دچار مشکلی می‌شود. به عبارتی وقتی زخمی شدید حاصل از ایجاد سانحه و یا بروز عمل جراحی در بدن ایجاد می‌گردد، انرژی در حال جریان در این نواحی دچار مشکل می‌شود. در نتیجه در اثر کاهش جریان خون و یا نبود فعالیت طبیعی در تکثیر سلولی در همان ناحیه، انرژی نیز دچار اختلال شده و در آن نواحی سیستم عصبی واکنشهای خود را نشان می‌دهد و نخستین اعلام خطر خود را به صورت ایجاد درد مشخص می‌نماید. درد در واقع نخستین نشانه‌ی وجود اختلال در جریان انرژی است. و به عبارتی روشنتر سیستم و سلسله اعصاب موجود در بدن موجودات زنده نیز نخستین پیام‌گیرهایی هستند که می‌توانند به سهولت اختلال موجود در بدن را تشخیص دهند.

کمبود انرژی در بدن در همین شرایط مشخص می‌شود و غالباً کسانی که دچار کمبود انرژی می‌باشند، یا حالت ضعف و سستی داشته و یا این که دردهای مزمنی را در برخی از نقاط بدن خود حس کرده و یا همیشه از خستگی مفرط و یا حالات کسالت در شکوایه و اظهار ناراحتی هستند.

به طور معمول انسان سالم و دارای جریان انرژی طبیعی و خوب از حرارت و دمای مناسب بدن برخوردار بوده و حالتی سرزنده و شاداب دارد. کسانی کف دستانشان همیشه سرد بوده و یا به نوعی

حالت ضعف و سستی مفروطی داشته و یا حداقل خودشان را همیشه در نوعی خمودی و یا کسالت و خستگی آنی می بینند، یقین بدانند که دچار اختلال در جریان انرژی در بدن خود هستند. از این جمله می توان انسانهایی را که زود رنج بوده و یا به سرعت پرخاش کرده و عصبی می شوند و یا این که افسردگی آزارشان می دهد از این قاعده مستثنی نیستند.

عدم تعادل:

زمانی که انرژی در منطقه ای که می باید جریان داشته باشد، نتواند به جریان خود ادامه داده و یا به نحو مقتضی قادر به جاری ساختن خود در تمایم آن منطقه شود، به این معضل در اصطلاح عدم تعادل در انرژی می گوئیم. زمانی که عدم تعادل در جریان انرژی در ناحیه ای از بدن بروز دهد، ارگان مربوطه دچار مشکل شده و گاهی خود را به صورت طبیعی و زمانی به ناحیه ای دچار معضل نشان می دهد. شاید خود شما نیز بارها با این معضل مواجه شده اید. به طور مثال، در دستان خود حالت کرختی و یا سوزن سوزن شدن و یا این که در نقطه ای از بدن حالت مور مور شدن را حس کرده اید، این همان ناراحتی و معضلی است که از عدم تعادل انرژی حاصل می شود. در برخی موارد نیز عدم تعادل در جریان انرژی واکنشها و نمادین شاخص خود را به بیرون می زند. به طور فرض شاید شاهد بوده اید که گوشه لب شما انگار کشیده می شود و یا گاهیگاهی می زند و یا این که حس می کنید روی پلک چشمتان گاهگذاری بدون اراده تکان می خورد و انگار مثل نبض می زند. این حالت در بازوها و ماهیچه های بدن نیز بیشتر دیده می شود و در جایی که ساکت و آرام نشسته اید، به

یکباره حس می‌کنید که نقطه‌ای از روی بازویتان تیک می‌زند. یا این که دراز کشیده‌اید و ناگهان یک دفعه پایتان مثل لگد زدن از جایش تکان می‌خورد و یا یکی از انگشتانتان یکمرتبه ناخود آگاه باز و بسته می‌شود. این حالتها بیشتر در حالت نیمه بیداری و یا دراز کشیدن در بستر اتفاق می‌افتد.

تشخیص بیماری و تصحیح معاینه

زمانی که بیمار را تحت درمان قرار می‌دهد، می‌توانید ناراحتی او را با دریافت اظهارات و رؤیت علائم بیماری تشخیص داده و برای این که مطمئن گردید که تشخیصتان درست بوده است، با گامهای نخستین انرژی درمانی می‌توانید به نتیجه‌ی درست نا نادرست تشخیصتان پی ببرید. اما در این میان برای این که به درمان خودتان پی ببرید و یقین نمایید که درست درمان کرده‌اید، می‌توانید از نشانه‌های بارز و سایر مواردی که به آنها خواهیم پرداخت، به موفقیت خود در درمان پی ببرید.

البته باید بدانید که وقتی درمان خودتان را شروع کرده و به نتیجه نشانید، ناخود آگاه مریضتان به شما پاسخ لازم را خواهد داد. زیرا اوست که درد می‌کشد و می‌داند که کدام نقطه از بدنش دچار ناراحتی بوده و اکنون به چه وضعیتی درآمده است. این خود نشانه‌ی عمده‌ی تشخیص صحت یا سقم درمان شد. البته این را در نظر داشته باشید که برخی از بیماران به دلیل عدم اعتماد به درمان انرژی درمانی و یا به دلیل طولانی بودن بیماری و احساس درد بیشتر و فقدان امیدواری به درمان یافتن خود، شاید علیرغم بکار بستن بهترین شیوه‌های انرژی درمانی و یا بهره‌گیری از انرژی توانمند خود باز هم به نتیجه مطلوب

نرسیده و یا بیمار نتواند اظهارات درستی را برایتان بیان دارد. در چنین شرایطی لازم است به حالات ظاهری بیمار و روند بهبودی و یا عود گرفتن بیماری فرد بیمار توجه شود.

برای مثال در یکی از دفعات معاینه‌ام خانم جوانی به من مراجعه کرد که علیرغم مصرف زیاد آنتی بیوتیک هنوز هم دچار ناراحتی در ناحیه گلو بوده و احساس می‌نماید که هنوز عفونتی رد ناحیه گلوئی خود دارد و در هر بار حالت بلع سوزش شدیدی را در حلقوم خود حس می‌کند. من در این رابطه به معاینه او پرداختم و با توجه به شیوه‌های موجود جریان انرژی را در این ناحیه به حرکت واداشتم ولی بیمار باز هم اظهار گلایه کرد. دیگر اطمینان یافته بودم که انرژی درمانی من مثبت نبوده و نتوانسته‌ام بیمارم را بهبود بخشم. اما در معاینات طبی متوجه شدیم که در گلوئی او هیچ ناراحتی نیست ولی خود بیمار در هر بار بلعیدن آب دهانش چنان حالتی از خود نشان می‌داد که انگار گلوش می‌شود و به زحمت می‌تواند آب دهانش را فرو برد. به ناچار بار دیگر به معاینه کلی او پرداختم. با این که در جریان معاینه متوجه شدم که او در ناحیه سینه و حتی کلیه‌های به احتقان انرژی دچار شده و حتی از نواحی معده و روده‌ها نیز دچار نامتعادلی انرژی است ولی با این حال نمی‌توانستم یقین کنم که شاید این ناراحتیها باعث گردیده که فرد بیمار از ناحیه گلو اظهار ناراحتی نماید. در سئانسهای مختلف به انرژی درمانی وی پرداخته و انرژی مسدود شده و یا دچار احتقان شده در مناطق معده، روده و کلیه‌های او را باز کرده و به حالت عادی برگرداندم. در این حال او ابراز داشت که در پاهای خود احساس سرماییی شدید می‌کرد که هم اینک درست شده است. یقین حاصل کردم که این فرد در نواحی یاد شده دچار

نامتعادل بودن انرژی بوده و همین امر باعث گردیده که وی احساس ناراحتی و بیماری در سایر جاهای خود نیز بکند. از این رو بار دیگر به جریان انرژی در این نواحی مشغول شده و متوجه گردیدم که عفونت شدیدی در ناحیه کلیه‌های او وجود دارد و هر بار هم که تلاش می‌نمایم انرژی موگود در آن نقطه را جاری سازم، بعد از مدتی دچار احتقان مجدد می‌شود. با این اوصاف به حتم نتیجه گرفتم که او عفونت کلیه‌ای دارد. این بار با پزشکان بیمارستان به درمان بیماری کلیه او پرداخته و با هر بار استفاده از آنتی بیوتیک مربوط به ار بین بردن عفونت کلیه‌ها، انرژی درمانی را نیز برایش اعمال داشتم که بعد از مدتی متوجه گردیدم که خود بیمار آشکارا اعلام می‌دارد که دیگر در ناحیه‌ی گلوی خود ناراحتی و مشکلی ندارد.

در واقع با این رفتار توانستم به صحت درمان خود پی برده و نتیجه خود را یقین نمایم. شما نیز در درمان کردن بیماران خود هیچگاه به اظهارات ابتدایی بیماران متکی نبوده و به حالت کلی بیمار را کنترل نمایید. اگر من به عنوان یک درمانگر از همان ابتدا یقین کرده و باورم می‌شد که درمان ثمری نداشته است، شاید بیمار به ناراحتی خود از ناحیه‌ی کلیه نیز پی نبرده و مشکلاتش حل نمی‌شدند. حال آن که با بردباری و صبوری سایر نقاط بدن او را تحت کنترل و درمان در آورده و نه تنها توانستم مشکل ناشناخته‌ی وی را درمان کنم که به نتیجه‌ی مطلوب خود نیز برسم.

تماسهای شفابخش:

می‌توانید نتایج کارهایتان را نیز با سایر همکارانتان نیز در جریان گذاشته و تاز تجربیات آن‌ها نیز بهره بگیرید. البته این همکار نیز

بایستی در چند سئانس همراه شما باشد که چنین امری می تواند ابزار مفیدی برایتان قلمداد گردد. زمانی که دو درمانگر انرژی درمانی از دو دیدگاه و دو شیوه همسان ولی با کاربردی متفاوت بیمار را تحت کنترل در آورند، آنگاه نتایج حاصله بسی مفید و مثمر ثمر و نزدیک به یقین خواهد بود. البته در دیدگاه دو درمانگر تفاوت های ناچیزی نیز وجود خواهد داشت که این تفاوتها در جزئیات بوده و در اصل هیچ مغایرتی به وجود نخواهد آمد. شاید دو درمانگر از الفاظ و کلمات متفاوتی استفاده نمایند ولی آنچه که ماحصل امر خواهد بود، این که نتیجه درمان یکی باشد. در ابتدای کار شاید هر دو نفر به نتایج یکسانی نرسیده باشند و یا تشخیص بیماری متفاوت از همدیگر بوده باشد، ولی در سئانسهای بعدی که انتقال انرژی و یا جابجایی آن در وجود بیمار عملی شده و نتایجی را نشان خواهد داد، آن زمان مشترکات کاری هر دو درمانگر شبیه هم خواهد بود.

در انرژی درمانی آنچه که بیش از همه اهمیت دارد، نکته نظر کلی درمانگری است که مریض به عنوان درمان دهنده خود بدان مراجعه می نماید. ناگفته پیداست که ایمان قلبی و باور ذهنی و آمادگی روحی بیمار برای پذیرش دستورات درمانگر و یافتن راه شفا از دستان وی، خود می تواند نیمی از راه درمان را طی کرده باشد. با این که در فوق توصیه کردم که دو درمانگر بر روی یک بیمار عملی را انجام بدهند ولی این شیوه ای استاندارد نبوده و برای آموزش درمانگران جدید و مبتدی برای گذراندن دوره استاز توصیه می شود ولی برای درمان یک فرد بیمار بهتر این است که خود کار درمان را شروع و به پایان برسانید و در صورت نیاز به مشاوره با نظر و متقاعد کردن بیمار به همکار خود متوسل گردید.

با تمام وجود و روحیه به معاینه بپردازید:

آنچه که در درمان بیمار باید بدان توجه شود، سکوت و آرامش خود و بیمار است. یقیناً در جریان بکارگیری شیوه‌های درمان شفا بخش به این نتیجه خواهید رسید که نشانه‌های بیماری و یا درمان آن‌ها خیلی حساس و ظریف بوده و با کمی حواس پرتی ممکن است اصلاً به نتیجه‌ی مطلوب نرسیده باشید. اگر در هنگام درمان افکار و ذهنمان مشوش بوده باشد به هیچ وجه اقدام به درمان نکنید که نتیجه مطلوبی را کسب نخواهید کرد. برخی از افراد اعتقاد بر این دارند که شنیدن آهنگی آرام و یا گوش سپردن به امواج ملودیک موسیقی می‌تواند به آنان تمرکز فکری نصیب نماید. اما باید گفت که وقتی فردی اقدام به گوش دادن به موسیقی نموده و احساس آرامش می‌نماید در حقیقت بیش از نیمی از افکار خود را معطوف لذت موسیقی نموده و آنچه که به عنوان ذهنیت خلاق بایستی از آن بهره بگیرد، نادیده انگاشته شده و نمی‌تواند از آن سودی حاصل نماید. همین حالت برای بیمار نیز مصداق عینی دارد. مادامی که بیمار قادر به تمرکز فکری نبوده و به آنچه که بر رویش عملی می‌شود، ایمان نیاورده و تمرکز روحی و ذهنی نداشته باشد، نمی‌تواند آنچه که به عنوان نشانه‌های شفا یافتن است، احساس نماید و در نتیجه یا پاسخ لازم را به درمانگر نخواهد داد و یا این که به دلیل عدم پذیرش موضوع از دریافت انرژی لازم و کمکی درمانگری بهره خواهد ماند. در درمان بیماران به وسیله‌ی انرژی باید تنها به ملودی جریان انرژی گوش فرا داد و به آن متمرکز شد. درمانگر در جریان حرکت درمان شفا بخش خود و احساس انرژی و امواج کم و زیاد آن در

وجود بیمار می تواند به متعادل سازی انرژی همت گمارده و چنان سنفونی زیبایی از سلامتی و جریان انرژی متعادل در بدن بیمار پدید آورد، که هم خود و هم بیمار با کسب نشانه های بارز آن از شنیدن موسیقی حیات و سرزندگی لذت ببرند.

در بسیاری از موارد دانشجویانم از من جویا می شوند که چگونه می توان به تمرکز فکری کامل در درمان بیماران نایل آمد که در پاسخ به آن ها اعلام می دارم که باید در درمان بیماران به وسیله ی انرژی درمانی باید با تمام وجود و با همه روحیه و افکار به درمان پردازید. به آن ها مثالی را می زنم که در اینجا ذکر آن را خالی از لطف ندانسته و به شما خوانندگان گرامی نیز همین توصیه دارم. شما وقتی به کنار باغی می رسید و یا در کنار باغچه ای پر از گل می ایستید، آنچه که ذهن و فکر شما را مشغول خود کرده و به خود جلب می نماید، زیبایی و تنوع رنگ گلهاست و اگر سلیقه ای در چیدن آنها نیز وجود داشته باشد، لاجرم به آن نیز متوجه خواهید شد. در این میان برای این که بوی کامل آن را حس بکنید ناخواسته نفسهای عمیقی می کشید و بعد از این که متوجه شدید که شاید بوی کامل عطر گلها را نمی توانید به مشام بکشید، به سوی گلها خم می گردید. تمامی این اعمال را در اصطلاح مدهوش شدن می گوئیم. همین مثال را در بیماران خود نیز باید تجربه کنیم. باید در کنار بیمار به آن اندازه دقیق باشیم که گلها را در حال پژمرده شدن وجودش را درک کرده و سعی نماییم بوی آن گلها را (نشانه های بیماری) به مشام بگیریم. به عبارتی مدهوش بیمارمان بوده و هر آنچه در او زیبایی و زشتی است، دریابیم و سعی کنیم زیباییهایش را افزونتر سازیم.

نرمشهای شروع درمان:

حال همه‌ی اطلاعات مربوط به شروع درمان به وسیله‌ی انرژی درمانی را دست داریم و استعداد آن را کسب کرده‌ایم. در هر بار انجام به عمل انرژی درمانی همیشه اجرای نرمشهای خاص آن را به خاطر سپرده و انجام دهید. زیرا درمان نیازمند بدنی ساکت و آرام و در عین حال آماده و ذهنی روشن می‌باشد. در این بین زمان نیز خود به عنوان چراغ راه به حساب می‌آید. در انجام عمل انرژی درمانی هیچگاه به طور مستقیم به سمت محلی که بیمار از آن اظهار ناراحتی می‌کند، معطوف نشده و دستانتان را در آن سمت نچرخانید. زیرا ممکن است به نتیجه‌ای نرسیده و نتوانید آن طور که شایسته و بایسته است به درمان موفق خود نایل بیایید. یقین دارم که شما نیز بدان هر درمانگر دیگری تا نتیجه و نشانه‌ای از انرژی را در جال جاری شدن در بدن بیمار نبینید، دست از کار نخواهید کشید که این امر هم باعث خستگی شما شده و هم این که بیمار را به ستوه می‌آورد و نمی‌تواند همگام با شما حرکت نماید. لذا شایسته آن است که در شروع کار از ناحیه سر به احساس کردن جریان انرژی بیمار پردازید. زیرا در این قسمت به دلیل وجود مغز و جریانات الکتریسته‌ای که از امواج عصبی و دستوری مغز به سایر اندامهای بدن می‌رسد، احساس انرژی بسیار سهلتر و آسانتر است.

زمانی که به بررسی بیماری در بدن بیماری می‌پردازید و می‌خواهید جریان انرژی را تثبیت کنید، شاید در وهله‌ی نخست موفق‌علایم لازم را نتوانید کسب کنید ولی باید این کار به دفعات انجام پذیرد که بتوانید نشانه‌های اولیه را دریافت نمایید. معاینه خود دوره‌ای است که باید متداوم باشد و به همین دلیل می‌توان در دفعات

متفاوت نشانه‌های جدیدی را دریافت کرد. شما نیز در هنگام شروع انرژی درمانی شاید احساس نمایید که یکی از دستانتان بیش از دیگری انرژی در جال جریان را حس می‌کند. این حالتی است که هر درمانگر مبتدی به آن استنباط رسیده و این تصور را پیدا می‌کند. بعد از این که چندین بار این کار را انجام دادید، هر دست شما به حساسیت مشابهی خواهد رسید و دیگر این تصور در ذهن شما نقش نخواهد بست.

از دیگر مواردی که در برنامه انرژی درمانی شاید به آن متوجه گردید این است که حس می‌کنید هر دستانتان از ناحیه‌ی کف دست کرخت شده و یا حس خود را از دست داده است. این در واقع استنباط ظاهر قضیه است و شما تصویری خطاآمیز دارید. حقیقت آن است که دستان شما انرژی لازم را از وجودتان به بیمار انتقال داده و به قدری در آن انرژی به طور مداوم جاری بوده که حالت بی‌حسی در آن درک می‌نمایید. در واقع دستان شما در جریان درمان بیمار مثل سنگ محک عمل می‌نمایند و شما انرژی بیمار را در دستان خود حس کرده و برای این که آن انرژی را به حالت متعادل برگردانید مدام از انرژی خود استفاده کرده و دستانتان ناخالصی انرژی بیمار را به حالت مناسب و مساعد در می‌آورد.

در درمان بیمار هیچگاه به این توجه نکنید که بیمار آیا تغییر حالت داد یا خیر؟ آیا در او نشانه‌های بهبودی حاصل شد یا نه؟ این کار باعث می‌شود که شما راحتی بیمار را به خود جذب کرده و انرژی او را نیز به خود بگیرید. این عمل هم باعث برهم خود تمرکز فکری شما شده و هم این که منجر به بروز ناراحتیهای دیگری در بیمار می‌شود. شما باطمینان به کار خود ادامه دهید و بعد از پایان سئانس

اجازه دهید که بیمار خود پاسخگوی کنجکاوی شما باشد و بگوید که درمان شما برایش مفید واقع شده است یا نه. در جریان انرژی درمانی نکته‌ی مهم دیگر آن است که به خودتان بیشتر توجه کنید و نشانه‌های ناراحتی را اگر در وجود خود حس کردید، متوجه آن باشید. قدر مسلم شما در جریان درمان مقداری از انرژی خودتان را از دست می‌دهید. اگر در این هنگام حس کردید که تمرکز فکری خود را از دست می‌دهید و یا جایی از بدنتان به درد آمد و یا این که حالت تنفس شما دچار مشکل شد، در همان لحظه درمان کردن را مسکوت گذاشته و لحظه‌ای درنگ نمایید و نفس عمیقی بکشید. بعد از دقایقی اگر حالت خودتان را طبیعی احساس کردید باز بار دیگر به کارتان ادامه دهید.

هیچگاه فراموش نکنید که در انرژی درمانی باید احساسات دیگری را درک کرده و حساسیتی را که فرد بیمار دارد، شما نیز باید بدان او نسبت به بیماری برخورد داشته باشید. توجه خودتان را از سایر چیزها دور ساخته و با تمام وجود و افکار به کاری که انجام می‌دهید، معطوف گردید.

در صفحات بعدی تابلویی را خواهید دید که در آن تشخیص بیماری و تجدید نظر در درک نشانه‌های بیماری برایتان سهلتر خواهد بود و خواهد توانست کمک بسیاری به کاری که شروع کرده‌اید، بکند.

بر طرف کردن احتقان خفیف

زمانی که دستهایتان را در اطراف بدن بیمار قرار می‌دهید، امواج جریان انرژی و همچنین فشردگی انرژی را که به صورت ابر مانند و یا توده حس می‌شود، در کنار گرمای خاص حاصل از انرژی درک

می‌گردد. این نشانه‌ها در واقع همان علائم احتقان و گرفتگی انرژی است که در آن منطقه وجود پیدا کرده است. باید توجه داشته باشید که موضوع احتقان در جریان انرژی بدنی به مانند احتقان و یا گرفتگی و بلوکه شدن انرژی به معنای فیزیکی آن نبوده و زمانی که از احتقان انرژی بدنی صحبت می‌کنیم در واقع منظور این است که انرژی زندگی که در بدن حاکم است، به خوبی و سهولت جریان نمی‌یابد. انرژی جاری در بدن به طور متقابل عمل می‌کند. یعنی به عبارتی روشنتر، وقتی انرژی موجود در ناحیه سر درست عمل کرده و جاری گردد، دیگر نقاط بدن و سیستم عصبی نیز به خوبی واکنش نشان خواهند داد، چنانچه از ناحیه‌ی سر مشکلی برای فردی ایجاد گردد، سیستم عصبی و دستها و پاهاى فرد نیز در جریان انرژی دچار مشکل خواهند بود. بنابراین وقتی صحبت از جریان انرژی می‌کنیم، منظور این است که این انرژی باید در تمام نقاط بدن یکسان جاری شود و اگر این انرژی در نقطه‌ای به دلایلی مسدود و یا بلوکه گردد، آن زمان در اصطلاح علمی می‌توان نام احتقان انرژی را در بدن به آن اطلاق نمود. جریان انرژی در اطراف بدن کاملاً محسوس است و زمانی که در اثر تمرین عادت به درک میدان مغناطیسی اطراف بدن می‌کنید، آن زمان گرمای حاصل از آن را نیز حس خواهید کرد. ناگفته پیداست که چون میزان جریان انرژی و مرکز کنترل آن در ناحیه مغز آدمی است، لذا گرمای زیاد آن را به خوبی می‌توان در اطراف سر حس نمود. وقتی در مرحله‌ی معاینه متوجه شدید که گرمای لازم در اطراف سر کم شده است، مسلم است که فرد دچار بیماری شده و از نقطه‌ای از بدن ناراحتی دارد. افزایش بیش از حد گرمای ناحیه سر نیز نشان از بروز بیماری است. در این حالت باید تمامی نقاط بدن را نیز

معاینه کرده و متوجه بشوید که در کدامین نقطه از بدن انرژی کم می باشد.

با درک این موضوع می توانید به خوبی جریان انرژی را متعادل کنید. شاید در حین درمان و در شرایطی که دستانتان را برای جاری ساختن انرژی به نقطه‌ی دچار احتقان شده نزدیک کرده و به مرور دستهایتان را بالا و پایین می برید که انرژی جاری شود، احتمال دارد که احساس نمایید که چیزی به دستهایتان چسبیده شده است. در این حالت دستهایتان را چندین بار به شکلی که انگار آبها را از آن می چکانید، تکان دهید و دوباره به کارتان پردازید. این کار در بروز احتقان شدید اتفاق می افتد و وقتی در جریان درمان متوجه شدید که دیگر احساسی مشابه چسبیدن چیزی به دستانتان ندارید، متوجه باشید که انرژی را به حرکت در آورده و آن نقطه را از احتقان خارج ساخته‌اید. در درمان انرژی باید توجه کنید که دستها از ناحیه سر به پایین بایستی حرکت نمایند. به تدریج این حرکت را تا سینه بیمار آورده و در ناحیه کمر چندین بار دستهایتان را در اطراف کمر بگردانید و آنگاه آن را به طرف پاها و ابتدا پای راست و آنگاه پای چپ ادامه داده و بدون این که حالت قطع شدن تماس داشته باشید، دوباره دستهایتان را از ناحیه‌ی سر به پایین و ابتدا به شانه راست و دست راست و سپس به شانه چپ و دست چپ متمایل کرده و حرکت دهید.

وقتی احساس کردید که ناحیه سینه و یا شکم بیمار دچار کمبود انرژی شده است، پیوسته انرژی را از ناحیه سر به شکم و یا سینه‌ی بیمار روان نسازید، بلکه با سه بار حرکت دستها به سمت سینه و یا شکم بهتر است، در همان نقطه انرژی را از سمت راست به چپ و

حالت گردشی در اطراف شکم و یا سینه دستهایتان را بچرخانید تا در آن منطقه انرژی به حرکت واداشته شود.

علائم بیماری در مریض چگونه ارزیابی می‌شوند.

نشانه یا علائم	نوع بیماری
تب، خستگی، حالت خمودی، فشار	احتقان خفیف
کاهش دمای بدن، ضعف، سستی	احتقان شدید
سرد بودن همان نقطه، کاهش در جریان جریان انتقال انرژی	احتقان در نقاط مختلف
کم جان بودن پوست و گوشت آن ناحیه، گودی افتادن آن نقطه، مور مور شدن	کمبود یا کاهش انرژی
مور مور شدن، کرختی، تیره شدن رنگ همان نقطه، اختلال در ارتعاشات هماهنگ جریان انرژی	عدم تعادل در جریان انرژی

اگر پاها و یا نواحی ساق پای فرد دچار احتقان انرژی گردد، به طوری که در ناحیه پاها و ساق پای خود سردی و خمودی حس کرده و در هنگام خواب تصور نماید که ماهیچه‌های ساق پایش کرخت شده و انگار خمود می‌باشند، آن زمان باید درک کرد که جریان انرژی در این نقطه به دلایلی دچار احتقان شده است. این بیماری ممکن است از دلایل مختلفی عارض گردد. کسانی که در ستون فقرات خود دچار ناراحتی شده و به بیماریهایی از قبیل سیاتیک، آرتریت و یا سائیدگی مهره‌های ستون فقرات مبتلا باشند و یا این که دچار کم خونی مفرط بوده و همچنین سابقه‌ی بیماری رماتیسم را داشته باشند،

مسئله‌ها چنین علایمی در آنها مشاهده می‌شود. در این حالت قبل از این که به درمان آن ناحیه پردازید، بهتر است انرژی درمانی را از ناحیه‌ی ستون فقرات بیمار آغاز نمایید. دست‌هایتان را در اطراف کمر و پشت و جلوی بیمار نزدیک کرده و در حالتی که انرژی آن را حس می‌کنید نقاط پر انرژی و یا کم انرژی را مشخص نمایید و سپس با تکان دادن دست‌هایتان به تعدیل انرژی پردازید. زمانی که بیمار اظهار داشت که به نتیجه رسیده است و از دردهایش کاسته شده است، آن زمان دریابید که کمرختی و یا دردهای ناحیه پاها و سردی آنها از ستون فقرات بوده است و چنانچه در این قضیه به نتیجه نرسیدید، به ترتیب زیر عمل نمایید.

مثل شکل شماره ۳ در صفحه بعد بیمار را بر روی صندلی بنشیند و دست‌هایتان را مشکل شکل نشان داده شده بر روی پاهای بیمار قرار دهید و با کمک نوک انگشتان فشاری به ناحیه‌ی گودی کف پاهای بیمار وارد نمایید. این فشار باید بسیار خفیف باشد. دست‌هایتان را به همان حالت نگهداشته و انرژی وجود خودتان را به آن نقطه وارد نمایید. بعد از دقایقی مسلماً بایستی پاهای بیمار گرم شده باشند. اگر آشنایی به تمرینات و آموزشهای ماساژ تراپی دارید، پاهای بیمار را به آرامی ماساژ دهید. زیرا این عمل باعث می‌شود که جریان انرژی به آرامی و سهولت در پاهای بیمار به گردش در بیاید. برای این که میزان جریان انرژی را در هر دو پای بیمار کنترل کرده و بدانید که یکسان حرکت می‌نمایند، می‌توانید دست‌هایتان را در حین ماساژ دادن گاهی به صورت استاندارد در پهلوهای پاها گردانده و مطمئن گردید. اگر یکی از پاها سردتر از دیگری بود، یقین بدانید که مشکل در آن قسمت بوده و پای دیگر را نیز متأثر ساخته است.



شکل (۳)

باید این را بدانید که انرژی به مانند سیل یا آب روان و یا نور تابیده شده در پاها به سرعت جریان یافته و تأثیر می‌گذارند. میزان انرژی در نقطه اوج اندام انسانی (سر) دقیقاً برابر است با میزان انرژی در وسط ران و یا کشاله آن‌ها. بنابراین به این نکته توجه داشته باشید که باید میزان انرژی و حرارت موجود در ناحیه‌ی سر می‌بایستی به همان اندازه در ناحیه پاها نیز باشد.

نرمشهای اجرایی:

کسانی که دچار بیماری سرماخوردگی می‌شوند، در نواحی مختلف بدن آن‌ها احتقان انرژی پدید می‌آید. اگر برای نخستین بار

می‌خواهید روشهای انرژی درمانی را تمرین کرده و بدان آشنایی بیابید، بهتر است یکی از اعضای خانواده و یا دوستانتان را که دچار بیمار سرماخوردگی شده‌اند، پیدا کرده و بر روی آن نخستین تمرینات انرژی درمانی را آغاز نمایید. یقین بدانید که فرد مبتلا به سرماخوردگی وقتی دچار بیمار زکام نیز باشد، از ماندن در خانه به ستوه آمده و پیشنهاد شما را برای بیرون آمدن از خانه و یا حداقل از اتاق مورد بستری پذیرفته و آمادگی ذهنی لازم را پیدا خواهد کرد. در زیر به شیوه‌های لازم در اجرای نرمشهای لازم برای تمرین انرژی درمانی آشنایی پیدا خواهید کرد.

(۱) برای این که در ابتدای کار موفق باشید، نرمش اول را انجام دهید. اگر دوست یا یکی از نزدیکانتان نیز به این امر آماده باشد، می‌توانید با او همراه شوید.

(۲) برای شفا دادن بیمار خودتان را به عنوان یک درمانگر و واسطه درمانی تلقی کرده و به این باور برسید. بدانید که طبیعت با شماست و شما با طبیعت هستید و حرکت شما به نظم و هماهنگی طبیعی منجر خواهد شد.

(۳) به آرامی نواحی گردن و شانه‌های بیمار را ماساژ دهید.

(۴) زمانی که با ماساژ دادن احساس کردید که دوست و یا فرد بیمار احساس آرامش و راحتی کرده است، آن زمان منطقه‌ای را که او از آن شکایت داشته و یا احساس درد کرده است، کنترل نموده و جریان انرژی را بررسی نمایید.

(۵) هر یک از نقاط دچار احتقان شده را به ترتیب بررسی کرده و جریان انرژی را در آنها هموار سازید.

(۶) به نواحی پاها دقت نمایید و اگر در آنها نیز کرحتی و خستگی

حس می شود، یقین بدانید که در آن نواحی نیز انرژی دچار انسداد شده است و در رفع آنها نیز بر بیایید.

(۷) در هر بار درمان و اطمینان از عملکرد خود از دوستان و یا بیمار پرسید که چه احساسی دارد.

(۸) در هر بار امتحان کردن اگر دچار تردید شده‌اید، می‌توانید مراتب بالا و ذکر شده را مجدداً انجام دهید.

زمانی که احتقان خفیف را مورد درمان قرار دادید، در اندک زمانی جریان انرژی تحقق یافته و عملی می‌شود. به طور مثال وقتی فرد در نواحی شانه‌ها، یا دستها، یا گردن و پشت، پاها و سایر نقاط بدن دچار احتقان خفیف گردد، با انرژی درمانی و حرکت دادن شما در جاری ساختن انرژی احساس آرامش خواهد کرد و خودتان نیز در اندک زمانی متوجه خواهید شد که حرارت بدن بیمار رو به فزونی نهاده و در همه جای بدن گرمای مطلوبی حاکم شده است. حتی نماد بارز بهبودی زمانی میسر می‌شود که رنگ به رخسار بیمار بازگشته و حالت کسالت از وی دور می‌شود. این نشانه بهبودی است.

اما در درمان بیماریهایی که با احتقان شدید همراه است، کار کمی مشکل بوده و نیازمند زمان می‌باشد. از طرفی در رفع بیماری احتقان شدید گاهی خود شما نیز دچار ناراحتی می‌شوید. در حالتی که دستهای خودتان را در طرفین بدن بیمار قرار داده و جریان انرژی را تشخیص می‌دهید، ممکن است به سهولت به کمبود انرژی متوجه گردید. در این حالت لازم است با حرکت دادن دستهای خود و انتقال انرژی از نقطه به نقطه‌ای دیگر تلاش نمایید. شاید در این موارد انرژی موجود در بدن بیمار کافی برای رفع احتقان شدید نباشد و در این حالت خودتان نیاز داشته باشید که از انرژی وجود خود استفاده

نمایید. یقین است که در این حالت انرژی بدن شما رو به کاهش خواهد نهاد و اگر در حین درمان متوجه شدید که بیمار حالت عادی خود را به تدریج باز می‌یابد ولی شما به عوض او دچار درد در کف دستهای خود شده و یا سینه تنگ گرفته‌اید و یا این که در ناحیه معده و تنفس شما مشکلی ایجاد شده است، در آن حالت تصور نکنید که باید به کارتان ادامه بدهید و بیمار را نجات دهید و به خود توجهی نداشته باشید. بدانید که اگر در این حالت به خود توجه نکنید ناراحتیهای زیادی به خود شما عارض خواهد شد و بنابر این بهتر است در این حالت و احساس ناراحتی در خود کار درمان را برای لحظاتی متوقف نمایید. زمانی که حس کردید بار دیگر حال و وضع خوبی دارید به ادامه درمان پرداخته و بیمار خودتان را نیز درمان نمایید.

نکته‌ی مهمی که باید هر درمانگر بدان توجه نماید این که، در حالت خستگی، کم‌خوابی، کسالت روحی و جسمی، بی‌حوصلگی و... هیچگاه به درمان بیماران خود نپردازید، زیرا ناراحتیهای وجود شما نه تنها عاملی باز دارنده در درمان بیمار عمل خواهد کرد که چه بسا عدم وجود انرژی متعادل در وجودتان باعث خواهد شد که خودتان نیز به بیماری سختی مبتلا شوید.

انتقال انرژی

انسانهایی که دچار بیماری می‌شوند، در واقع از انرژی حیات که لازمه ادامه‌ی زندگی است، به نحو بارزی استفاده نمی‌کنند. در جریان انرژی درمانی باید به این شعور برسیم که انرژی چیزی است که در طبیعت وجود داشته و منبع آن در خود طبیعت و موجد آن است.

زمانی که به درمان بیماری می پردازید، باید به این فکر کنید که انرژی در وجود شما نبوده و شما تنها واسطه و شاهرافی هستید که انرژی واقعی از درون کانال شما به بیمار انتقال داده می شود. در طول مدت های مدید و در سیر اخذ تجربیات به این نتیجه رسیده شده است که وقتی درمانگر از نظر فکری و احساسی به این نتیجه می رسد که خود در واقع مثل راهی است که جریان انرژی ابدی و اصلی از آن عبور می کند، بسی در کارهایش موفق بوده است.

زمانی که درمانگر از نظر تمرکز فکری و باور این که انرژی اصلی از منبع دیگری است، دچار مشکل می شود و در پایان انرژی درمانی انرژی خود را از دست داده و ناتوان می ماند. باید به این اندیشید که در درمان با انرژی ما واسطه بوده و انرژی لازمه را از طبیعت گرفته و به بیمار می رسانیم.

همانگونه که پیشتر نیز اشاره کردم، در زمان انرژی درمانی به هیچگاه دچار ناراحتی فکری و روحی و جسمی نباشید. زیرا این امر باعث می شود که هم انرژی شما از بین رفته و تحلیل برود و هم این که مقدار انرژی جاری شده از کانال شما، تا حدودی مصرف شما شده و به نتیجه ی مطلوب نرسد. جریان انرژی را باید به جریان آب آبیاری تشبیه کرد که شما به منزله ی لوله ی آب عمل می کنید. زمانی که آبی از لوله جاری می شود، اگر این لوله سوراخ، یا منفذی داشته باشد و یا دارای زانو ها و پیچهای متعددی باشد، آن زمان آب به زحمت و به کندی جاری شده و به شیر آب می رسد ولی اگر این آب در لوله ای صاف جاری شود که نه رسوبی داشته و نه سوراخی در آن است، مسلماً همان اندازه که از منبع حرکت کرده به همان مقدار از شیر آب خالی می شود. در نتیجه باید پذیرفت که شما به عنوان واسطه بوده و

باید بسان لوله صاف عمل کنید. در چنین شرایطی هم بیمار و هم خودتان را آکنده از انرژی می‌سازید.

چگونه از کاهش و یا نقصان انرژی مطلع گردیم؟

درمانگر در شرایط درمان و یا حتی قبل از آن باید مقصود و هدفی را دایر بر این که انرژی خود را انتقال خواهد داد و به عنوان واسطه عمل می‌کند، برای خود تعریف نماید. همین که به منظور کمک به دیگری دست به درمان به وسیله‌ی انرژی درمانی می‌زند، احساس شفقت و محبت باید در شعور او رشد یافته و بتواند هدف اصلی زندگی را در خدمت به دیگران معنی نماید. این احساس باعث می‌شود که انرژی موجود در وجود درمانگر رونق یافته و به هیچ وجه کاهش نیافته و در طول درمان نیز بر شدت آن افزوده خواهد شد. این عمل و نیت باعث می‌شود که درمانگر در انتقال انرژی موفق بوده و صفحات اولیه‌ی درمان با موفقیت پشت سر گذاشته می‌شود.

به این امر توجه داشته باشید که جریان انرژی در وجود فرد به همدیگر بستگی دارد و زمانی که به دلیلی انرژی موجود در بدن دچار انسداد گردد و یا کاهش پیدا بکند، دیگر اجزای بدن را به همراه انرژیهای مورد نیازش تحت تأثیر منفی قرار داده و بقیه‌ی بدن نیز دچار ناراحتی می‌شوند. به همین جهت وقتی مریضی را تحت درمان قرار می‌دهید تنها به نقطه‌ای که او اظهار ناراحتی و شکایت می‌کند، توجه نکرده و ابتدا تمامی نقاط بدن را از لحاظ نرمال بودن جریان انرژی بررسی کرده و سپس به نقطه‌ای که در آن بیماری حادث گردیده و یا علایم آن مشخص است، توجه کنید و درمان را ادامه دهید. به این امر توجه داشته باشید که برخی از نقاط بدن وقتی دچار ناراحتی یا

انسداد انرژی می شوند و در آنها احتقان پدید می آید، آثار آن در سایر نقاط بدن نیز به خوبی دیده می شود. به طور مثال کمبود انرژی در ناحیه سر، در ناحیه کمر، در نواحی کلیه ها و یا قلب باعث می گردد که بیمار در سایر نقاط بدن نیز از کمبود انرژی بنالد و با این که خود واقف به این نیست، ولی با بروز چنان بیماریها و ناراحتیهای حادث در بدن، سایر نقاط بدن نیز از لحاظ انرژی دچار مشکل می شوند و انرژی در آنها با کمبود مواجه می گردد.

شاید پرسید که از کجا بدانیم که در سایر نقاط بدن انرژی کاهش یافته و یا کاهش انرژی در ناحیه پاها دلیل بر بروز بیماری اصلی در ناحیه کمر است. در پاسخ به این سؤال باید بگویم که وقتی مریضی را معاینه می کنید که اظهار می دارد قدرت راه رفتن ندارد و یا نمی تواند پاهایش را به خوبی تکان بدهد، آن زمان شما میزان انرژی را از ناحیه ی پاها و ساق آنها شروع کرده و تا رانهای بیمار ادامه می دهید. قدر مسلم این است که در این نواحی انرژی کمبود خودش را نشان خواهد داد و در این حالت در خواهید یافت که انرژی در این ناحیه یا به دلیل رماتیسم بوده و یا این که بیماریهای دیگری که شاید جنبه ی استخوانی داشته باشد باعث گردیده که بیمار در این قسمت از بدن اظهار ناراحتی نماید. وقتی به درمان و انتقال انرژی دست می زنید بایستی این نقاط به حالت عادی خود برگردند و اگر غیر این اتفاق افتاد، مسلم است که این نواحی منبسط از سایر نقاط بدن دچار کمبود انرژی شده است. آن زمان به ناحیه کمر توجه می کنید و اگر در این قسمت بیماری اصلی رخ داده باشد، احتقان شدید را در این قسمت درک خواهید کرد. منظور از احتقان شدید این است که، شما در هنگام معاینه قادر به درک و احساس حرارت و یا جریان انرژی در

آن ناحیه نبوده و کف دستانتان در اثر گردش و یا تماسهای نزدیک گرمای لازم را درک نمی کند.

ذکر این نکته نیز الزامیست که بسیاری از بیماریهای مربوط به کلیه، قلب، سر دردهای مختلف باعث می شوند که سیستم گوارشی و جهاز هاضمه نیز دچار کمبود انرژی شوند. لذا وقتی در بیماری احساس کردید که میزان اشتها کاهش یافته است، امر بر شما مشتبه نشود که شاید این فرد از لحاظ جهاز هاضمه دچار مشکل بوده و از کمبود انرژی می نالد. و بر عکس این نیز وقتی بیماری را دید که از سر درد می نالد و یا بیماری کلیوی دارد، تصور نکنید که تنها با درمان این نقاط می توانید سلامتی کامل را به او هدیه نمایید. باید به سیستم گوارشی بیمار نیز توجه کرده و انرژی و تعادل آن را در بدن کنترل نمایید و از هر جهت جریان انرژی را در جسم فرد تعدیل سازید.

پر کردن انرژی در نقاطی که کمبود انرژی رخ داده است.

در زمان معاینه وقتی احساس کردید که نقطه ای از بدن بیمار دچار کمبود انرژی شده است، دستهایتان را در اطراف آن نقطه قرار داده و انرژی خودتان را به کمک انرژی بیمار رسانده و بدین ترتیب باعث خواهید شد که انرژی لازم به کانال و واسطه بودن شما به آن نقطه جاری شود. (طبق شکل ۴ در صفحه بعد)

زمانی که انرژی شما به کمک انرژی بیمار می رسد، شما در کف دستانتان احساس می کنید که گویی حبابهای آب داغ در دستانتان پیدا آمده و به سمت بیرون حرکت می کنند.

در این حالت برای این که زودتر به نتیجه برسید و یا انرژی را شدیداً به بیمار برسانید، تلاش زیادی نکرده و عجله نداشته باشید و



شكل (٤)

به تصور خودتان بر جریان انرژی فشار وارد نیاورید. اگر تمرکز حواس و فکرتان عادی و مقبول بوده باشد و تنها به این بیندیشید که انرژی خودتان را انتقال می‌دهید، این جریان به صورت عادی و طبیعی بدون هیچ مانعی به بدن بیمار انتقال خواهد یافت. اما چنانچه در این حالت به چیز دیگری فکر بکنید و یا بر خود بیاورانید که اگر در ذهنتان اینگونه تصور بکنید که انرژی سریعاً جاری شود، نه تنها کاری مثبت انجام نداده‌اید که باعث می‌شوید انرژی جاری شده در دستانتان شما دچار اختلال گردد. این را فراموش نکنید که بیمار برای درمان مطلق در یک سئانس پیش شما نیامده است و این باور را نیز ندارد که در یک بار مراجعه به نتیجه برسد. لذا شما نیز به این تصور نباشید که مطلقاً در یک برنامه می‌توانید بیمارانتان را شفا دهید. اگر بیمار به این باور رسیده که برای کسب انرژی و تعدیل آن به شما مراجعه کرده، یقین بدانید که این باور باعث خواهد شد که میدان اخذ انرژی او باز شده و آمادگی لازم را برای کسب و اخذ انرژی دارد. اگر در این حالت شما نیز به این بیندیشید که می‌توانید به صورت معمولی و عادی انرژی لازم را به او انتقال دهید، یقین بدانید که در کارتان موفق شده و هم خود و هم بیمارانتان به نتیجه‌ی لازم خواهید رسید. این را بدانید که جریان انرژی گاهی کند، گاهی تند و زمانی نیز ممکن است به صورت ضعیف بوده باشد ولی به طور عموم جریان انرژی در صورت عادی بودن شرایط و آمادگی بیمار و درمانگر به طور نرمال و طبیعی انتقال می‌یابد. زمانی که انتقال انرژی را انجام می‌دهید و جاهای محروم و یا نقصان از انرژی را پر می‌کنید، به همانگونه که پیشتر اشاره کردم، تصور می‌کنید که حبابهای داغی از کف دستانتان به بیرون ساطع می‌شوند. اگر این حبابها ریزتر باشند، نشان از ضعیف بودن

انتقال انرژی است و اگر حبابها درشت تر و قابل احساس تر باشند، حاکی از شدت انتقال انرژی است. اما در حالت عادی درک خواهید کرد که حبابها به طور معمولی بوده و در کف دستانتان نه کوچک به نظر می‌رسند و نه بزرگتر. این را فراموش نکنید که وقتی انتقال انرژی به پایان رسید و نقاط خالی و یا دچار کمبود انرژی در بدن بیمار پراز انرژی شد، آن زمان دیگر حبابها را در کف دستان خود حس نکرده و کف دستانتان سردتر خواهند شد. این عمل نشان می‌دهد که مناطق مورد نیاز به انرژی کاملاً پر و سیراب شده و نیازی به انتقال انرژی نیست و بدن به صورت خودکار عمل انتقال انرژی را پایان داده است. فراموش نشود که این حالت را باید زمانی قبول کنید و یقین داشته باشید که در جریان معاینه کف دستهایتان گرم شده و شما حبابها را حس کرده بودید. وگرنه بدون گرم شدن دستها و یا احساس علایم اولیه نمی‌توانید به این باور برسید که کار انتقال انرژی را انجام داده‌اید و شاید اصلاً شما تمرکز لازم را نداشته و نتوانسته بودید که انرژی را از بدن خود ساطع نمایید.



بخش چهارم

انرژی درمانی روزمره

بزرگترین خدمت و ارزنده‌ترین هدیه به فرد زمانی است که او انتظار نداشته باشد و در زمان این امر محقق شود که هیچ تصورش را نمی‌کرده است. فراتر از این آنچه که بسیار ارزشمند است، این که هدیه و یا خدمت بدون توقع بوده باشد و حالت بلاعوض داشته باشد. این خدمت و هدیه هم خدایسندانه و هم انسان دوستانه خواهد بود.

باگاواد گیتا^(۱)

انرژی درمانی امری است انسان دوستانه که برای تنظیم و تعدیل ساختار اجتماعی بکار برده می‌شود. همانگونه که بروز بیماری مشکلاتی را برای افراد جامعه پدید می‌آورد و به تبع آن جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، درمان نیز به عنوان تعدیل کننده و انتظام دهنده سلامتی و بهروزی انسانها و به تبع آن اجتماع می‌باشد. انرژی درمانی به عنوان بخشی از شیوه‌های درمان انسانها و تعدیل کننده انتظام جامعه به ابزاری مفید و انسان دوستانه و جامعه نگرانه اطلاق شده و رشته‌ای از علم پزشکی محسوب می‌گردد. امروزه با رشد و فزونی جمعیت و بالا رفتن سطح زندگی انسانها و همچنین احاطه شدن زندگی آدمیان با تکنولوژی روز و بروز عوارض ناشی از این

زندگی، بیماریهای عدیده‌ای در میان جوامع انسانی پدید می‌آید که گاهی با بیماریهای روبروی می‌شویم که اصلاً نه تصورش می‌رفت و نه ریشه آن قابل تخمین و بررسی بود. اما علم پزشکی به عنوان بخشی از ابزارهای تعدیل‌کننده نامتعادلیهای زندگی بشری و همچنین به منزله‌ی خدمتی برای بشریت در صدد آن بر می‌آید که به نحوی از انحاء مشکلات سلامتی انسان را از میان بردارد. همانگونه که بحث شد، امروزه علم انرژی درمانی نیز به عنوان شاخه‌ای از این بخش خدمات رسانی قابل تأمل بوده و اهمیت آن انکارناپذیر گشته است. به مثابه همین موضوع بوده که انرژی درمانی به عنوان شیوه‌ای کاربردی در رفع بیماریها روزمره‌ی انسانها شناخته می‌شود. روزمره بودن انرژی درمانی در دنیای غرب نشانه‌ی پذیرش این شیوه از درمان در رفع بیماریها بوده و موردی است که بدون داشتن هیچ عوارضی برای انسانها و حیات آنان مفید واقع می‌گردد. ناگفته پیداست که چون با طبیعت و ذات بشر در ارتباط می‌باشد، آنچه که ماحصل این شیوه می‌باشد، درمان قطعی و سازگار می‌باشد. در این بخش به روزمره بودن این شیوه‌ی درمانی خواهیم پرداخت.

آماده سازی دوره‌ی درمان:

همانگونه که پیشتر نیز بحث گردید، تمامی موجودات زنده (آنهايي که خود به خود تکثیر و رشد دارند.) دارای ویژگی خاصی هستند که می‌توانند از همان ابتدا به تکثیر سلولی خود پرداخته و روز به روز رشد و پرورش یابند. در واقع موجودات زنده را می‌باید پدیده‌هایی نام برد که می‌توانند هر از چند گاهی تنوع پیدا کرده و حالت تازه‌ای به خود بگیرند. زمانی که همین پدیده و با موجود زنده دچار مشکل می‌شود، در واقع در ایجاد تنوع و پدیدار ساختن تازگی لازم با مشکلی مواجه شده است. در این راستا آنچه که

قبل از هر چیز به ذهن خطور می‌نماید این که، انرژی نوین سازی و تنوع دهی موجود زنده که به عنوان ابزاری حیاتی محسوب می‌شود، دچار مشکل شده است. در این مقوله است که انرژی درمانی ماهیت موجودیتی خود را ثابت کرده و لزوم بهره‌گیری از آن ثابت می‌شود. امروزه تمامی ساحه‌های علمی به این امر اقبال یافته‌اند، که هر موجود زنده‌ای دارای انرژی حیاتی است که در صورت بروز مشکلی در جریان این انرژی، حالات ناخواسته‌ای از حرکت رشد و تکوین بروز می‌نماید. بر همین راستا علم انرژی‌درمانی حالت روزمره را به خود گرفته است.

ناگفته پیداست که وقتی درمانگر شیوه‌ی انرژی درمانی دست به انتقال انرژی می‌زند و یا جریان آن را تعدیل می‌بخشد، در واقع از بطن موجودیت خلقت و از درون مرکز انرژی که هر کدام از ما پدیده‌های انسانی، نباتی و حیوانی مقداری از آن انرژی را به قدر سهم خود کسب کرده‌ایم، برگرفته و برای شفای بیمار انتقال می‌دهد. انرژی درمانی و درمان آن در واقع خدمتی است که رسالت عظمی را می‌توان بر آن نهاد. اگر این ادعا را می‌کنیم، ادعایی گزاف نبوده و خود در جریان تجربه در خواهید یافت که با انرژی الهی که ما امانتدار آن هستیم، تغییراتی اساسی را در پدیده‌ای دیگر به نام انسان بیمار ایجاد می‌نماییم. در پی انرژی درمانی ممکن است برخی از بیماریها و یا انسدادهای انرژیکی نیز خود را ظاهر سازند که اصلاً نه خود بیمار و نه درمانگر متوجه آن نبوده‌اند. در این شرایط لازم است که درمانگر به وظایف دیگری عمل نماید که به آن آماده سازی مرحله انتقال انرژی می‌گوییم.

در آماده سازی دوره‌ی درمان و یا انتقال انرژی باید در هنگام معاینه تنها به نقطه‌ای که بیمار از آن اظهار شکایت و درد می‌کند، توجه نکنید. (به تصویر صفحه بعد توجه کنید.)



در گرداندن دستهایتان در اطراف وجود بیمار باید چنان تمرکز
حواس و فکر داشته باشید که تمامی نقاط بدن بیمار را که دچار
احتقان انرژی شده است، تشخیص دهید. باید بدن بیمار کاملاً از
ناملازمات و نامتعادلیهای انرژیکی تمیز گردد. زمانی که این کار انجام
گرفت، آن زمان نقطه‌ای که احتقان شدید در آن پدید آمده است، خود
را به خوبی نشان داده و در خواهید یافت که در آن نقطه مشکل اصلی
پدیدار گشته است. در این صورت با تعدیل سازی انرژی موجود در
بدن بیمار و یا با کمک انتقال انرژی از وجود خود قادر خواهید بود که

بیماری را از وجود بیمار مورد نظر تان خارج سازید.
ذکر این نکته الزامیست که به طور مثال وقتی میزان انرژی را در ناحیه کمر زیاد حس کرده و در پاها کمبود آن را درک می‌کنید، دست به انتقال انرژی و حرکت دادن آن از ناحیه‌ی کمر به پایین خواهید زد. در این بین ممکن است که انرژی تا زانوهای بیمار به خوبی جریان یابد و با بروز حرارت و گرمای مطلوب آن خودتان و بیمار به این امر متوجه شوید که تا آن نقطه از بدن مشکل حل شده است. اما در این بین شاید انرژی جاری شده بار دیگر در ناحیه‌ی زانوها دچار اختلال شده و به پایین انتقال نیافته و جاری نشود. در این صورت ثابت می‌شود که مشکل دیگری نیز در ناحیه‌ی زانوها وجود دارد. در این بین لازم است که آمادگی درمان زانوها را نیز فراهم بیاورید. ابتدا این قسمت را درمان نمایید و اگر نیاز باشد از انرژی خود به آن مناطق انتقال بدهید و وقتی دریافتید که مشکل شما حل شده است، می‌توانید بار دیگر به صورت اعتدالی انرژی انباشته شده در ناحیه کمر را به پایین انتقال دهید.

در این جا ذکر این نکته مهم جلوه می‌کند که در درمان بیمار به وسیله‌ی انرژی درمانی هیچگاه معاینه پاهای بیمار را فراموش نکنید. خواه بیمار از این ناحیه ناراحتی داشته باشد و یا نداشته باشد. زیرا زمانی که پاها حرارت لازم را در خود حفظ کرده باشند و از گرمای مطبوع و مطلوبی برخوردار گردند، نشانه وجود سلامتی در بدن بیمار است. بعد از هر سئانس درمانی باید پاهای بیمار خودتان را کنترل نمایید. اگر حرارت لازم به پاهای بیمار بازگشته باشد، نشان از موفقیت کارتان می‌باشد.

تجربیات شخصی بیماران:

بسیاری از بیمارانی که تحت درمان انرژی قرار گرفته‌اند، اظهار می‌دارند که در زمان کسب و اخذ انرژی احساس کرده‌اند که بدنشان مور مور می‌شود و یا چیزی ولرم به درون وجودشان جاری می‌شود. آنان در بیان احساسات خودشان ابراز می‌دارند که وقتی گرمای خاصی از درمانگر حس می‌نمایند، احساسشان این است که گویی انرژی و گرمای اخذ شده به مانند آبی که بعد از قورت داده شدن، لقمه تپانده شده در گلو و یا راه مری را به راحتی به سوی معده سرازیر می‌نماید، درد و ناراحتی مانده در ناحیه دردناک را به همان صورت رو به پایین حس کرده و تصور می‌نمایند که به تدریج از میزان درد و شدت آن کاسته می‌شود.

در جریان انرژی درمانی دیده شده است که بیماران پس از کسب انرژی حالتی بیدار شده از خواب را دارند و دلشان می‌خواهد که خمیازه‌ای بکشند و یا دستها و پاهایشان را کش و قوس بدهند. این حالت نشان دهنده آن است که درد از بدن خارج شده و عضلات حالت ارتجاعی به خود می‌گیرد. بسیاری از بیماران معترف به این هستند که در زمان کسب انرژی و حصول درمان احساس می‌نمایند که دست و پاهایشان گرم شده و گویی آن را بر روی بخاری گرفته و سنگینی خوشایندی را در نواحی یاد شده دارند. بیمارانی که از نواحی درونی بدن دچار ناراحتی بوده‌اند، بعد از کسب انرژی احساس آرامشی را در درون خود حس کرده و نفسهایشان عمیقتر می‌شود. حتی برخی از بیماران به چنان حالتی از رضایت و آرامش می‌رسند که معده شان به کار افتاده و چندین بار آروغ می‌زنند. برخی از بیماران نیز ادعا می‌نمایند که وقتی انرژی لازم را درک می‌نمایند و

حس می‌کنند که درد از وجودشان خارج شده است، حالات شوکه شدن آنی و یا لرزه‌های نامحسوسی را در بدن خود حس می‌نمایند و گویی چیزی در برابر حرکت خونشان قرار گرفته بوده که بعد از رد شدن آن مانع، خون و گرما در بدنشان به یکباره به جریان افتاده و بدنشان به لرزه افتاده است. اما آنچه که به طور عموم در تمامی بیماران دیده شده است، حالت کش و قوس دادن دستها و پاهاست. این علایم خود می‌تواند به عنوان نشانه‌ی بارزی از موفقیت درمانگر در کارش باشد و یقین نماید که کارش را به خوبی و درستی انجام داده است.

تعیین کردن مقادیر انرژی:

انرژی شفا نیز مانند هوا، آب و مواد غذایی دارای مقادیر و دوزهای خاصیت است. همانگونه که این چیزها برای انسانها لازم است و هر کسی بر حسب بنیه‌ی خود مقادیری از آن را طلب می‌نماید، انتقال انرژی به بدن بیمار نیز باید بر همین اساس باشد و حتی موجودیت انرژی حیاتی در بدن انسانها نیز معین و مشخص است و در صورت ایجاد عدم تعادل در میزان آن، مشکلات بیماری‌گریبانگیر فرد می‌شود. برای درک موضوع مثالی را می‌زنم. همانگونه که می‌دانید هر فردی نسبت به جثه و بنیه‌ی فیزیکی خود دارای ظرفیتهای خاصی است. شاید فردی پیدا شود که در هر وعده از غذا یک بشقاب پر از غذا را صرف کند و باز احساس گرسنگی داشته باشد و شاید انسانی پیدا شود که با خوردن نیمی از محتویات بشقاب احساس سیری کامل بنماید. یعنی در واقع حجم معده انسانها نسبت به همدیگر متفاوت است. این حالت برای انرژی نیز مصداق دارد. هر

انسانی نسبت به ظرفیت خود انرژی دارد و می پذیرد. دادن انرژی زیاد به انسانها خارج از ظرفیت آنان به مانند حادثه‌ای است که به زور بخواهید برای کسی که حجم معده‌ی کمی دارد، غذا بخورانید. همان اندازه که خوراندن غذای اضافی برای فردی که ظرفیت ندارد، زیانبار است، انتقال انرژی برای فردی که فراتر از ظرفیت پذیرشش است، زیانبار می باشد. سیستم بدنی انسانها و سایر پدیده‌های موجود در طبیعت به گونه‌ای است که هر کدام انرژی لازم و متعادل را برای ادامه حیات و بقای خود دارند و اگر خللی و یا کمبودی در آن احساس شود، باعث می شود که حالات غیر منتظره و غیر قابل قبولی در وجودشان پدید آید که ما اصطلاحاً آنها را به سستی، بیحالی، رنگ پریدگی، ناموزون بودن نظم خواب و فعالیت و به طور کلی بیماری می نامیم. این حالات می تواند در رشد موجود زنده خلل وارد سازد که در این حالت می توان تشخیص داد که وجود پدیده‌ی مزبور نیازمند انرژی است.

وقتی فرد از لحاظ انرژی کامل باشد، نشاط، سرزندگی، سرحالی، فعال بودن در او موجود خواهد بود. برای چنین انسانی دادن انرژی نه تنها زیانبار است که می تواند سلامتی او را مختل سازد. پس لاجرم وقتی بیماری را تحت کنترل قرار می دهید، باید مطمئن شوید که وی از لحاظ انرژی کامل می باشد یا نه.

در این مرحله ذکر این نکته حائز اهمیت خواهد بود که شاید انسانی به شما مراجعه نماید و اظهار دارد که حالات سستی و بیحالی در وجودش حاکم است. تنها ابراز عقیده‌ی بیمار و گفتن حالات سستی دلیل بر وجود بیماری و یا کمبود انرژی نیست. شاید این حالت ناشی از ناراحتیهای ذهنی و یا ناملایمتهای روحی فرد باشد.

در این مورد باید بدون این که اقدام به انرژی درمانی بنمایید، شایسته است با بیمار دقایقی صحبت کرده و یقین کنید که آیا او بیمار است و یا این که دچار افسردگی شده و شاید به دلیل استرسها و یا معضلاتی که در زمینه فعالیت شغلی و یا زندگی زناشوییش پدید آمده به چنان احساسی رسیده است. اگر یقین کردید که بیمارتان از این موارد دچار مشکل شده و سستی او بیش از آن که فیزیکی باشد، روحی بوده است، به انرژی درمانی اقدام نکنید و اگر آگاهی و دانش روانشناسانه دارید، با او گفتگو کنید و به طریقه روانشناسی در درمان آن بکوشید و اگر خود در این رابطه اطلاعاتی ندارید، توصیه کنید که به یک روان پزشک مراجعه نماید.

با ذکر این مطالب مشخص می شود که نمی توان هر فردی را تحت درمان انرژی قرار داد و یا انسانهایی که حالت عادی دارند، آنها را انرژی درمانی کرد. زیرا انرژی درمانی در حالت عدم تعادل و نیازمندی به همان میزان که مفید می تواند باشد، در صورت عدم نیاز و وجود حالات متعادل می تواند زیانبار باشد.



بخش پنجم

روش بازنگری درمان

رحمت خداوندی حد و مرزی ندارد،
بسان باران ملایم پیوسته از آسمان باریدن می‌گیرد،
به زمین و به پایین آسمانها که قدسیت آنها محرز است،
قدسیتی که خود به خالقش سپاس می‌گوید و بودن به وجود
اوست.

ویلیام شکسپیر^(۱)

تا بدین قسمت از کتاب به شناخت بیماری، نحوه برخورد با بیمار
و آماده سازی خود پرداختیم. شایان ذکر است که در درمان به
وسیله انرژی درمانی آنچه کعه نبایستی به هیچوجه فراموش شود این
که، انرژی درمانی نه به عنوان شیوه درمان مطلق بوده و نه می‌تواند
بسان معجزه تلقی شود. انرژی درمانی شیوه‌ای است که از خود
طبیعت و از راز خلقت برگرفته شده و تمامی قوانین و شروط آن به
قوانین طبیعت بستگی دارد. کوهی خاکی ما نیز به مانند سایر کرات
دیگر تابع قوانین فیزیکی خاص خود بوده و همان سان که خداوند
تمامی پدیده‌ها را بر اساس ضوابط و قوانین منحصر به فرد خود خلق
نموده، انسان نیز به مثابه خلقتش که به نوعی موجود خلق شده از

1- William SHAKESPEAR

سوی خداوند است، دارای قوانین خلقتی ویژه و منحصر به فردی است.

اگر از انرژی درمانی بحث می‌کنیم در واقع چیزی ابداعی و یا معجزه‌ای باور نکردنی را انجام نمی‌دهیم. انسان بسان سایر موجودات دارای انرژی حیاتی است که این انرژی باعث می‌شود که سلول تک دانه‌ای آن طبق قاعده‌ی خود به تکثیر پرداخته و از یک سلول، دو و از دو سلول، چهار و از چهار سلول، هشت و... پدید آید و به نهایت موجودی به نام انسان خلق شود. تمامی این تغییر و تحولات و رشد و توسعه پیکره‌ی انسانی به وسیله انرژی امکان می‌یابد که چنانچه در جریان همین انرژی حیاتبخش خللی ایجاد شود، امکان رشد و توسعه مقدور نخواهد شد.

بر همین اساس در درمان بیماران خود به این باور برسید که شما به عنوان واسطه‌ای از خلقت می‌توانید با پاکی و صداقت روحی و ذهنی انرژی دچار نقصان و یا فقدان را به انسان دیگری انتقال داده و شما کاری را انجام نمی‌دهید مگر هموار سازی جریان انرژی! حال در بخش پایانی کتاب به درمان بیمار و رفع مشکلات آن و همچنین خلاصه‌ای از شیوه‌های به کار برده شده می‌پردازیم که با توسل و دقت در آنها قادر خواهید بود در اجرای روشهای انرژی درمانی موفق گردید.

چگونگی درمان بیمار و رفع احتقان

زمانی که برای اولین بار بیماری را تحت درمان قرار می‌دهید، حتماً در اثنای گردش دستهایتان در اطراف بدن بیمار با محل‌هایی روبرو خواهید شد که در آنها خلاء خاصی را حس خواهید کرد. در

کنار این خلاءها به نوعی سردی را نیز در همان نقاط بدن درک خواهید کرد. این دو علامت نشان دهنده‌ی آن است که در آن نقطه انرژی یا دچار کمبود شده و یا این که انسدادی در جریان انرژی وجود دارد. با مشاهده‌ی این حالات باید بدانید که حالت احتقان رخ داده است. برای شروع کار باید اقداماتی را انجام دهید که بیمار در این نقاط احساس نماید که عضلاتش شل شده‌اند. زیرا با بروز این حالت است که انرژی به سهولت در میان عضلات و بافت‌های موجود به گردش خواهد افتاد. برای درک این موضوع مثالی را ذکر می‌کنم. حتماً در باغچه‌ی حیاط منزلتان و یا پارک و یا هر جای دیگری که در آنجا درختکاری انجام گرفته شاهد بوده‌اید که خاک درون باغچه سفت و سخت شده است. با بروز این مشکل مسلم است که آب جاری شده در آن باغچه به زحمت به داخل آب نفوذ خواهد کرد و در این حالت باید اقدامی صورت پذیرد که در شرایط آبیاری عادی، آب به درون لایه‌های خاک نفوذ نماید تا ریشه گل و یا درخت بتواند نیروی لازم را برای رشد کسب کند. این کار از دو حالت خارج نیست. یا باید با بیل خاک را زیر و رو کرد که هوا بتواند میان لایه‌های فشرده شده‌ی خاک نفوذ نماید تا بتواند از هم جدا شده و آب نیز به سهولت در درون آن نفوذ کند و یا این که باید مقدار زیادی آب بر روی خاک جاری ساخت تا به وسیله سایش بتوان لایه رویی و سفت را جدا کرد تا آب بتواند نفوذ نماید.

قدر مسلم آن که دومین شیوه نمی‌تواند درست باشد و بهترین کار آن است که لایه‌ای از رویه خاک با بیلچه زیر و رو شود تا آب بتواند به سهولت در آن خاک نفوذ نماید.

بدن انسان نیز به همین ترتیب بوده و زمانی که انسداد انرژی در بدن بیمار بروز می‌کند، در واقع مثل همان خاک باغچه‌ای است که سفت شده است. باید این لایه کنار زده شود و یا زیر و رو شود تا بتواند انرژی عادی را به عمق وجود نفوذ دهد. به همین منظور باید ابتدا عضلات را تکان داد که این کار در بروز احتقانه‌های شدید نیاز است. بعد از این کار انتقال انرژی بسیار آسان خواهد بود.

توجه داشته باشید که انسداد جریان انرژی و یا احتقان آن به هر صورتی باشد، چندان اهمیتی نداشته و شدت و حدت آن نمی‌تواند کار شما را در درمان با مشکلی مواجه نماید. تنها کافیست که آمادگی لازم را داشته باشید و تمرکز فکری خودتان را در حول و حوش این قضیه حفظ نمایید که انرژی را باید به وجود بیمارتان انتقال دهید تا وی به وسیله‌ی انرژی به حیات خود به راحتی ادامه داده و از زندگی کردن لذت ببرد.

برای نرم کردن عضلات و یا آماده سازی آن برای کسب انرژی بهتر است از ماساژ استفاده نمایید. این کار بیشتر در بیمارانی که مشکل آن‌ها در جریان یافتن انرژی از ناحیه‌ی سر می‌باشد، سودمند خواهد بود. وقتی بیماری اظهار داشت که بدنش کرخت شده و مثل چوب می‌باشد و حالات سستی و خمودی شدیدی دارد، او را بر روی صندلی نشانده و یا روی بسترش به حالت نشسته قرار دهید. از ناحیه‌ی پشت سر و پیشانی ماساژ را شروع کرده و از پشت گوشه‌هایش تا گردن ادامه دهید. در این کار دو انگشت وسطی و شست اهمیت زیادی دارد. در حالی که به آرامی با انگشت شست خود ماساژ ملایمی را در پشت گوش فرد بیمار می‌دهید، آن را به تدریج به کنار

گردن و به طرفین شانه‌ها ادامه دهید. در این حالت در زیر دستان خود نرم شدن عضلات سفت شده‌ی حوالی گردن و کتفها را حس خواهید کرد. با ضربات ملایم نوک انگشتان و یا کناره‌ی دستها شانه‌ها و عضلات آنها را شل کنید و همچنان کار را دنبال کرده و به دست راست و سپس دست چپ ادامه دهید. بعد از این کار ماهیچه‌های دستها را ماساژ داده و به انگشتان برسید. انگشتان بیمار را به آرامی مالش داده و در این حالت نرم شدگی تدریجی را حس خواهید کرد و باز حرارت ملایمی را نیز در کف دستان خودتان حس خواهید نمود. این کار را از پشت بدن تا ماهیچه‌های پهلو و کناره‌های ستون فقرات ادامه داده و به کمر برسید. این کار را همچنان از ناحیه پهلوی ران به سمت کشاله‌ی ران و از آنجا به ناحیه‌ی عضلات پاها تا زانوان و از آن قسمت تا ساق پا و خود پاها ادامه دهید و در این حالت دو پا را درون دستهایتان گرفته و کمی فشار وارد بیاورید. به تدریج از کف پاها شروع کرده و از روی پاها نیز تا انگشتان ماساژ دهید که در این حالت خواهید دید که با دست کشیدن شما از ماساژ دادن، بیمار در جای خود دستها و پاهایش را مثل فردی که از خواب بیدار شده باشد، کش و قوس خواهد داد. در این حالت یقین کنید که ماساژ شما مفید واقع شده و عضلات برای کسب انرژی آمادگی لازم را دارند.

در این شرایط انتقال انرژی به چه صورتی خواهد بود؟

الف) زمانی که پس از ماساژ مطمئن شدید که بیمار آمادگی لازم را برای کسب و اخذ انرژی دارد، آنگاه دستهایتان را در اطراف سر بیمار قرار دهید. همانگونه که قبلاً اشاره کرده‌ایم، فاصله قانونی و مورد نظر را میان کف دستها و سر و بدن بیمار رعایت کنید. نباید در انتقال

انرژی دستها تماس نزدیکی با بدن بیمار داشته باشد. در این حالت تمرکز فکری خودتان را حفظ کرده و دستهایتان را چندین بار در اطراف سر بیمار حرکت داده و پس از حصول اطمینان از این که کف دستهایتان گرم شده است، یقین کنید که انرژی بیمار را حس کرده اید و این گرما و حرارت ناشی از انرژی موجود در بدن بیمار بوده است. به آرامی دستهایتان را به پایین بدن بیمار حرکت داده و در هر نقطه ای که احساس کردید که حرارت کم و یا زیاد شده است، یقین کنید که این نقطه دچار مشکلی است. اصولاً بروز بیماری نشانه‌ی کم بودن انرژی را با خود به همراه دارد و به خاطر کمبود انرژی حالتی خلاء مانند و سرد در نقطه‌ی بیماری حس می‌کنید.

ب) بعد از پایان کنترل کلی بدن بیمار و تعیین نقاط دچار مشکل در وجود شخص باید اقدامات بعدی را آغاز نمایید. در این مرحله سعی نمایید چندین مرحله از ناحیه سر انرژی لازم موجود در بدن بیمار را به پایین انتقال دهید و باز در این حالت میزان انرژی و گرمای حاصل از آن را کنترل نمایید. زمانی که انرژی موجود در بدن بیمار بتواند کارساز باشد و به نقاط انسداد یافته انتقال یافته و نفوذ کند، آن زمان بیمار در جایش مثل حالت بعد از ماساژ خواهد داشت و تلاش خواهد کرد که دستها و پاهایش را کش و قوس بدهد و به عبارتی عضلات به دلیل نفوذ انرژی منقبض و منبسط خواهند شد. در این حالت تصور نمایید که کار شما به پایان رسیده است و انرژی به تمام و کمال متعادل شده است. در این حالت به مرحله‌ی سوم بپردازید.

ج) با کسب نتیجه و نشانه‌ی اولیه از جریان یافتن انرژی بار دیگر با دستهایتان از بالای سر تا نوک پاهای بیمار میزان انرژی را کنترل

نمایید. پس از آن که یقین کردید که انرژی تا حدودی متعادل شده است و حالات قبلی را ندارد. باز دستهایتان را از بالای سر بیمار تا پایین حرکت دهید و این بار در تمرکز فکری خود به این بیندیشید که انرژی موجود در طبیعت را از کانال خود وارد و سرازیر بدن بیمار می‌کنید. همانگونه که قبلاً نیز بیان کردیم، در این حالت حس خواهید کرد که حبابهایی گرم از کف دستانتان به بیرون و سمت بیمار در حرکت هستند. در این حالت بیمار نیز انرژی لازم را کسب کرده و تکانهایی را به صورت نامحسوس خواهد داشت. رنگش تا حدودی سرخ شده و انگار تازه از حمام بیرون آمده است. به دلیل احساس ناشی از کسب انرژی امکان دارد در جایش ورجه بزند و یا دستها و پاهایش را باز و بسته نماید. یا نگاههای معناداری حاکی از ممنونیت و سپاس به شما بیندازد. اینها تماماً نشانه‌های موفقیت کارتان می‌باشد.

اگر بعد از این کارها احساس کردید که دیگر کف دستانتان سرد شده است، بدانید که انرژی لازم را در وجود بیمار دپو کرده‌اید و بیمار به موفقیت انرژی لازم و مورد نیازش را کسب کرده است. بعد از این کار از زبان خود بیمار علایم را کنترل نمایید. به همان صورتی که قبلاً نیز اشاره کردیم، بیمار حالاتی از قبیل مور مور شدن، آرامش و نرمی خاصی در بدن و نشاط را بیان دارد، نشان از موفقیت شماست و با توجه به شدت بیماری می‌توانید از همان دم مراحل مختلف و نیازهای بیمار را به مراحل و سئانسهای درمانی تعیین نمایید. اگر دیدید که بیمار در همان سئانس نخست به حدی از درمان رسیده که نیازی به سئانس بعدی نیست، می‌توانید او را در تصمیم‌گیری مختار

سازید. ولی توصیه‌ام این است که هر بیمار را حداقل در دو سئانس معاینه نمایید تا کاملاً به نتیجه برسید.

چگونگی به پایان رساندن دوره‌ی درمان

دانشجویان و نوآموزانی که در راستای درمانگری به وسیله‌ی انرژی درمانی در نزد من آموزش می‌بینند، همیشه می‌پرسند که: «مدت زمان یک دوره‌ی درمان چقدر می‌باشد؟»، «تا چه مدتی باید کار درمان را ادامه بدهم؟» و یا «بیمار به طور معمول تا چه مدتی می‌تواند تحت سئانسهای درمانی قرار گیرد؟» در پاسخ به آنها و باز در اینجا بیان می‌دارم که هیچکدام از برنامه‌های درمانی و طول مدت درمان و یا سئانسهای اجرایی بر روی بیماران به صورت فیکس و مشخص شده نبوده و از بیماری نسبت به بیمار دیگر تفاوت دارد. این رانه تنها شخص من که بسیاری از همکارانم تجربه کرده و به این نتیجه رسیده‌ایم که احتمال دارد در جریان درمان، یکی از بیماران در مدت زمان خیلی کمی پاسخ لازم را بدهد و همچنین احتمال دارد که در درمان همان نوع بیماری، مریض دیگری در مدت زمان بسیار طولانی پاسخ لازم را به دست بدهد. البته به طور معمول طول دوران درمان در بیمارانی که احتقان آنها ضعیف و سطحی بوده بیش از دو سئانس نبوده و آنهایی که دچار بیماریهای شدیدی بوده و یا احتقان آنان قوی بوده است، طول درمان آنان بیش از چهار یا پنج سئانس به درازا کشیده است. هر سئانس نیز بر روی بیمار بالغ بین ۱۵ تا ۲۰ دقیقه می‌باشد. کودکانی که سنشان کمتر بوده و یا سنی کمتر از نوجوانی دارند، دارای روحیه‌ای حساس بوده و زودتر پاسخ لازم را می‌دهند و در مدت ۵ دقیقه می‌توان به نتایج لازم رسید. با این تفصیل در

نوزدان دوره درمان خیلی کمتر از این مقدار بوده و می توان دوره‌ی سئانس درمانی را از چند ثانیه به چند دقیقه ناچیز محدود دانست. ناگفته پیداست که هر انسانی نسبت به انسان دیگر از لحاظ جسمی و روحی متفاوت بوده و به همین خاطر مدت پاسخگویی آنها نیز نمی تواند یکسان باشد. البته این را فراموش نکنید که در درمان بیماران خود به هیچوجه خویشتن را محدود به زمان و یا دوره‌ی خاصی نکرده و بر اساس مدت زمان کارتان را شروع و به پایان نرسانید. این کار باعث می شود که ذهنیت شما از هم بپاشد و نتوانید به نتیجه‌ی مطلوب برسید. لذا شایسته است تا نتایج اولیه و نشانه‌های آن را ندیده‌اید، به هیچوجه سئانس درمانی را به پایان نرسانید. ما در طول دوره‌ی درمان و یا مراحل‌ی که بر روی بیماران خود کار کرده‌ایم، گاهی چنان غرق در مراحل درمان می شویم، که گذشت زمان را حس نمی کنیم. باید توجه داشته باشید که اگر در دوره‌ی درمان به این بیندیشید که زودتر به نتیجه برسید و یا به بیمار دیگر خود بپردازید، آن زمان تمرکز فکری شما به هم خورده و نمی توانید آن طور که شایسته و بایسته به نتیجه برسید و این احتمال قوی وجود دارد که شاید همین عدم تمرکز فکری باعث بشود که در جریان انتقال انرژی دچار اختلال جریانی شده و به بیمار خود سودی نرسانید.

به همین خاطر است که وقتی دانشجویانم از من می پرسند که چه موقعی می توان کار درمان را به پایان رساند به آنها پاسخ می دهم که هر زمان نشانه‌های درمان یافتن را در بیمار خود مشاهده کردید، آن زمان کار درمان را متوقف سازید. همانگونه که قبلاً نیز اشاره نمودم،

بیمار تا زمانی که نیازمند انتقال انرژی و یا تعدیل در آن است، شما احساسات لازم را از وی درک می‌کنید و ممکن نیست که شما به این نتیجه برسید که بیمار به کفاتی درمان شده و شما متوجه آن نشده‌اید. یقین بدانید که در انتقال انرژی و یا تعدیل آن همان نشانه‌هایی را که در کنترل و بازرسی انرژی بیمار مشاهده کرده‌اید، به همان صورت نشانه‌های بهبودی و اکتفای کار درمان انرژی را نیز درک خواهید کرد و نیازی به این نیست که ذهن خودتان را مشغول به این بکنید که چه مدتی است کار درمان را شروع کرده‌اید و تا چه زمانی باید ادامه بدهید و آیا بیمار نیاز خودش را باز ستانده است یا نه.

بر همین اساس به هیچوجه در شروع درمان به این فکر نکنید که این بیمار دارای چه مشکل عظیمی است و آیا این بیمار در مدت ۲۰ دقیقه نیاز خود را تأمین خواهد کرد یا نه. فقط کافیست که به ماهیت کار خود و به نشانه‌های بیماری و همچنین بهبودی بیندیشید که هم از کا رخویش رضایت داشته باشید و هم بیمار به نتیجه‌ی مطلوب برسد.

ناگفته نماند که در مراحل اولیه‌ی تجربه کاری خود ممکن است مدت زمان زیادی را برای کسب نتیجه صرف کنید ولی به مرور زمان به این کار عادت یافته و در اولین چرخش و گردش دستهایتان در اطراف بدن بیمار نشانه‌های کمبود و یا احتقان انرژی را درک خواهید کرد و در مدت زمان کوتاهی باز به استمرار و تمرین قادر خواهید بود نشانه‌های درمان و بهبودی را نیز اخذ نمایید. بسیاری از دانشجویان و کارآموزانم در ابتدای کار ادعا می‌کرده‌اند که به هیچوجه قادر به درک و احساس انرژی و حرارت لازم از آن نبوده و هر اندازه در روی دستها

و بیمار متمرکز می‌شوند، نمی‌توانند آن را حس نمایند. ولی وقتی به آن‌ها گوشزد کرده و می‌کنم که در درمان نباید فکرتان را به دستهایتان متمرکز کنید که حتماً نشانه‌ای حس کنید و کافیت به کاری که شروع کرده‌اید متمرکز شوید، آن زمان به حقانیت گفته من پی برده و به سهولت قادر شده‌اند نشانه‌های اولیه را درک نمایند.

شما نیز در درمان بیمارانتان به این امر توجه داشته باشید و اگر تازه کار هستید هیچگاه از طولانی شدن مدت زمان احساس گرمی و یا انرژی بیمار ناامید نشوید، زیرا در صورت تمرین و آشنایی به این کار دیگر عادت خواهید کرد که چگونه احساس انرژی را درک کرده و طولی نخواهد کشید که در اثر تمرین قادر به این خواهید بود که با کوتاهترین حرکت دستهای خویش، مقدّر به درک گرما و جریان انرژی بیمار خواهید شد.

خلاصه کلام

در ابتدای کار ممکن است کار انرژی درمانی برایتان عجیب و سخت جلوه نماید ولی بعد از مدتی در خواهید یافت که این شیوه یک سری اصول اولیه و اساسی دارد که با تمرین می‌توان آن‌ها را درک کرد و پس از آن کار انرژی درمانی برایتان بسیار سهل و آسان خواهد بود. در اینجا آنچه را که در رابطه با انرژی درمانی بوده بار دیگر به طور خلاصه از نظر خواهیم گذراند. بدین ترتیب در خواهید یافت که مراحل چگونه ادامه یافته و چسان به پایان خواهند رسید. این را به یاد داشته باشید که کار انرژی درمانی موهبت ویژه‌ای نیست که برای انسانهای خاصی اعطاء شده باشد.

شما نیز می‌توانید این نیرو را در خود درک کرده و بشناسید و آنگاه

آن را هم در خدمت خود و هم دیگران به کار ببرید. آنچه که در این راستا مهم جلوه می نماید این که، باید این را به خاطر داشته باشید که انرژی پدیده‌ای طبیعی و ذاتی است که در وجود تمامی موجودات به عنوان منبع حیاتی وجود داشته و کم و زیاد بودن آن موجبات بروز برخی از نارسائیها را فراهم می آورد که شما قادر خواهید بود با شناخت همان نیرو و هدایت درست آن هم خویشتن خویش را از بروز بیماریها رهایی بدهید و هم این که سایرین را از ناراحتیها و ناسازگاریهای جسمی و روحی نجات دهید.

حال در اینجا آنچه در مراحل انرژی درمانی باید بدان توجه نمایید از نظر می گذرانیم:

(۱) قبل از شروع به کار انرژی درمانی خودتان را با تمرینات روحی و ذهنی از قبیل یوگا و یا نرمشهای بدنی آماده‌ی انرژی درمانی کرده و تمرکز ذهنی و باور درونی را کسب کنید.

(۲) نیت و مقصود خودتان را در رابطه با واسطه بودنتان در انتقال انرژی و از این که پدیده‌ای هستید که رسالت شما خدمت به دیگران است، در ذهنتان ایجاد نمایید.

(۳) بعد از این که خودتان را برای شروع درمان آماده یافتید، پیش بیمارستان بایستید و از او بخواهید که بر روی صندلی و یا بستر خویش بنشیند.

(۴) ابتدای امر گردن و شانه‌های بیمار را برای جذب انرژی لازم ماساژ دهید.

(۵) زمانی که احساس کردید بیمارستان حالت عادی باز یافته و از نظر آمادگی روحی و جسمی قادر به دریافت انرژی است و عضلاتش

بعد از ماساژ دادن نرم شده است، سیستم انرژی و چگونگی آن را معاینه و کنترل نمایید.

(۶) ابتدا میزان انرژی را در سطوح مختلف بدن بیمار کنترل کرده و اگر گرفتگی و احتقانه‌های خفیفی وجود دارد، آن‌ها را تمیز و برطرف کنید. اگر شدت انرژی و یا گرمای آن و فشار کمتر است، آن‌ها را در بدن به حالت متعادل در بیاورید و به مرحله‌ای برسید که انرژی به صورت آزاد و راحت در پاها به جریان بیفتد.

(۷) اگر در جریان درمان و کنترل متوجه شدید که در برخی از نقاط بدن خلایی وجود داشته و آن مناطق سرد می‌باشند، در اطراف آن دست‌هایتان را بگردانید و از انرژی بیمار و خودتان برای گرم شدن و جریان مجدد انرژی استفاده کنید.

(۸) اگر در نقطه‌ای از بدن احساس کردید که انرژی در آنجا خالی است، آن منطقه را با انرژی طبیعی و برگرفته از طبیعت را به آن نقطه جاری سازید تا گرم شود.

(۹) اگر در حال درمان احساس کردید که انرژی شما به پایان می‌رسد و یا دچار کمبود می‌شوید، و نشانه‌هایی از قبیل سردرد، سرد شدن بدن، خستگی در خود حس کردید، کار درمان را متوقف ساخته و ابتدا خودتان را کنترل کرده و به حالت متعادل برگردید و دوباره کار را ادامه بدهید.

(۱۰) در هر مرحله‌ای از پیشرفت کار گاهی تمام بدن بیمار را از لحاظ وجود انرژی کنترل مجدد بکنید. اگر بار دیگر احتقانه‌های جزئی در آن دید، در رفع آن بکوشید.

(۱۱) به هیچگاه ذهن خودتان را به این متوجه نسازید که نشانه‌های

بهبودی را در بیمار مشاهده نمایید. اگر درمان شما به نتیجه برسد، دستانتان از انتقال انرژی خالی شده و سردی خاصی را در کف دستانتان حس خواهید کرد.

۱۲) زمانی که درمان خود را مرحله به مرحله ادامه می‌دهید، از بیمار گاهیگاهی احساساتش را بپرسید و بر اساس آن ادامه درمان را تعیین کنید.

۱۳) در هر حال به این باور و ایمان باشید که بیمار شما درمان خواهد یافت و دستانتان را به هر نقطه‌ای که می‌رسانید، بیمارتان از تعادل انرژی برخوردار می‌شود.

۱۴) زمانی که مناطق خالی از انرژی و یا ناقص از وجود انرژی را با انتقال آن پر کردید و حس نمودید که حرارت و گرمای لازم در مناطق مورد نظر تثبیت شده است و میزان انتقال انرژی از کف دستان شما رو به کاهش و یا پایان نهاده است، یقین کنید که به نتیجه رسیده‌اید و بهتر است کار ادامه‌ی درمان را به پایان برسانید.

۱۵) بعد از پایان درمان از بیمار خود بخواهید که ۲۰ تا ۳۰ دقیقه سر جایش بنشیند و یا بخوابد و یا در این حال با او با ایمان قلبی گفتگو کنید.

البته این مراحل به عنوان مراحل ترتیبی نیستند که به دنبال همدیگر اجرا شوند. این مراحل در طول دوره‌ی ممارست عاید می‌شود و شما قادر به درک آن خواهید بود. به هر حال در اینجا با بیان این مراحل یاد می‌گیرید که چه بکنید و چه نتایجی را به دست بیاورید.

در اثر تمرین و درمانهای متعدد خود در خواهید یافت که چه

بکنید و چه نتیجه‌ای بگیرید. البته این مراحل به عنوان مراحل اصلی شناخته می‌شوند که باید به آنها توجه داشته باشید.

در صفحه دیگر جدولی به عنوان تابلوی بازبینی مراحل درمان مشاهده خواهید کرد که در آن نوع بیماری، نشانه‌های ناشی از بروز بیماری، شکل درمان و مواردی که باید به آنها توجه داشته باشید، ذکر گردیده است. این تابلو به عنوان سر لوحه کارتان شناخته شده و می‌توانید در مراحل اولیه کار و شروع انرژی درمانی به آن دقت نموده و کار خود با آن بسنجید و ارزیابی نمایید.

بازبینی مراحل درمان به وسیله‌ی انرژی

نوع بیماری	نشانه‌ها	شکل درمان	موارد قابل تأمل
احتقان خفیف	گرما، فشار، سنگینی	باید دست‌هایتان را به شکل جارو کردن از محل احتقان به پایین حرکت دهید و تمیزش کنید.	به حالت تمرکز فکری به کار ادامه دهید و کنترل نمایید که پاها احتقان نداشته باشند.
کمبود و فقدان انرژی	خلاء، حس کشش و دافعه	مادامی که انرژی را کاملاً در محل پر نکرده‌اید، به کاراسفال ادامه دهید.	تمرکز فکری داشته باشید و اجازه دهید که به واسطه شما انرژی دریافت کند. محل درمان را مدام معاینه کنید و مواظب انتقال انرژی زیاد باشید.
نامتعادلی منطقه‌ای	مور مور شدن، تیک زدن، کرختی	تا آهنگین شدن جریان انرژی، انرژی را انتقال دهید	مدام در خصوص متعادل بودن انرژی تلاش کرده و بیندیشید.
احتقان شدید	سردی، خلاء	در صورت نیاز به طور فیزیکی اقدام به ماساژ کنید. اگر نیاز باشد، به انرژی انتقالی دست بزنید.	از زور زدن و یا عملیات اضافی بپرهیزید. به نشانه‌های بهبودی در درمان فیزیکی و انرژی درمانی توجه کنید.

لجیستیریکی دکونوسلار



Designer: Sh. Mardani / 001 99 12

۱۰۰۰ تومان



6327



مرکز پخش:

تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، کوی مبین، پلاک ۲۳۹
طبقه همکف، انتشارات طلایه، تلفن: ۶۴۶۳۲۴۱، فکس: ۶۴۹۶۲۷۲، ۶۴۹۶۲۷۳